

## تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان

### صدیقه رضایی<sup>۱</sup> و کورش رضائی مقدم<sup>۲\*</sup>

(دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۲۳؛ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۲)

#### چکیده

حفظ و نگهداری تالاب‌ها از جمله موارد مهم و ضروری برای جوامع به شمار می‌رود. یکی از مهم‌ترین ویژگی تالاب‌ها این است که محل تأمین آب و غذای انسان‌ها هستند و همین موضوع، ارزش و اهمیت تالاب را در زندگی انسان نشان می‌دهد و دلیلی است برای محافظت و نگهداری از آن‌ها. برای پرداختن به این موضوع تا رسیدن به نتیجه مطلوب نیاز به مشارکت همگانی است و تمام اقشار جامعه باید با هم بسیج شوند. هدف کلی از این مطالعه شناسایی و تحلیل تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان در استان فارس است. در این مقاله اصلی‌ترین گروه ذی‌نفعان تالاب یعنی جامعه محلی اطراف تالاب پریشان در استان فارس مورد بررسی قرار گرفته و دلایل مشارکت آن‌ها برای احیای تالاب بررسی شده است. از روش پیمایش و نمونه‌گیری تصادفی برای جمع‌آوری اطلاعات از ۲۵۰ نفر از جامعه محلی از طریق پرسشنامه استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای AMOS و SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. تحلیل نتایج نشان داد که برای افزایش مشارکت جامعه محلی عوامل گوناگونی اثرگذارند. به‌طوری که افراد با سطح سواد و سطح زیر کشت کمتر دارای مشارکت بیشتر هستند در صورتی که از عوامل انگیزشی (افزایش احساس تعلق به طبیعت و آگاه‌سازی عمومی)، از عوامل مدیریتی (تعهد و مسئولیت‌پذیری افراد نسبت به محیط زندگی)، از عوامل فرهنگی (اعمال نظر و تصمیم‌گیری توسط تمام یا حداکثر افراد و اهمیت به جایگاه زنان در جوامع محلی)، از عوامل اطلاعاتی (میزان ارتباط کارشناسان ادارات مرتبط در این حوزه و استفاده از فضای مجازی و سرویس پیام کوتاه) و همچنین نقش سازمان‌های مردم‌نهاد میزان مشارکت را افزایش می‌دهد. بعضی عوامل به‌صورت مستقیم و بعضی دیگر به‌صورت غیرمستقیم و از طریق اثرگذاری بر نگرش و تمایل افراد بر میزان مشارکت اثر می‌گذارند و برخی از عوامل نیز هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم مؤثر هستند. برگزاری کلاس‌های آموزشی برای بانوان هر روستا متناسب با فرهنگ آن روستا، تلاش برای افزایش اعتماد میان جامعه محلی با سایر نهادهای دولتی و غیردولتی از طریق افزایش مرادده و تشکیل گروه‌های مجازی و اطلاع‌رسانی در خصوص وضعیت فعلی تالاب و خطراتی که در آینده نه‌چندان دور منطقه و مردم را تهدید می‌کند از جمله موارد پیشنهادی است.

**واژه‌های کلیدی:** احیاء، تالاب، جامعه محلی، محیط‌زیست، مشارکت.

<sup>۱</sup> دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.  
<sup>۲</sup> استاد بخش ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

\* نویسنده مسئول، پست الکترونیک: rezaei@shirazu.ac.ir



حفظ محیط‌زیست و همچنین کمبود و بحران آب مسائل بسیار مهمی هستند به طوری که بدون آن‌ها زندگی سایر موجودات نیز از بین می‌رود. تالاب‌ها از جمله حوضه‌هایی هستند که نقطه اتصال این دو مسئله را تشکیل می‌دهند. زیست‌بوم‌های تالابی از جمله مهم‌ترین محیط‌های آبی و از طرفی نیز بدقابل‌ترین آن‌ها هستند. ترکیب بوم‌سازگارهای خشکی و دریایی موجب پدیدار شدن زیستگاه‌هایی می‌شوند که به آن‌ها "تالاب" می‌گویند. تالاب به اراضی مردابی، باتلاقی و برکه‌هایی گفته می‌شود که به‌طور دائم یا موقت دارای آب ساکن یا جاری، شیرین یا شور هستند و همچنین مناطقی ساحلی که بیشترین ارتفاع آب آن‌ها بیش از شش متر نباشد (رمضانی قوام‌آبادی و سنایی‌پور، ۱۳۹۲). بر اساس تعریف کنوانسیون رامسر، تالاب عبارت است از مناطق مردابی، آبگیر و مجموعه‌های آبی به‌صورت طبیعی، مصنوعی، دائم و یا موقت با آب ساکن، جاری، شیرین، لب‌شور و یا شور مشتمل بر آن دسته از آب‌های دریایی که عمق آب آن در جذر کمتر از شش متر باشد (The Ramsar Convention Secretariat, 2007). کنوانسیون رامسر به‌عنوان تنها کنوانسیون زیست‌محیطی پایه‌گذاری شده در ایران، قدیمی‌ترین معاهده بین‌الدولی جهانی با تأکید بر حفاظت و استفاده پایدار از طبیعت و تنها کنوانسیون بین‌المللی با موضوع حفاظت از تالاب‌هاست (سلیمی ترکمانی، ۱۳۹۰).

تالاب‌ها محل تنوع بیولوژیکی هستند و گونه‌های مختلف گیاهان و جانوران برای بقا به تالاب وابسته هستند. از بارزترین مزایای تالاب‌ها می‌توان به بهبود زندگی بشر، تعدیل آب و هوا، زیستگاه حیات‌وحش، تنظیم سطح آب زیرزمینی، کنترل فرسایش خاک و کنترل سیلاب، گردشگری و حفظ تنوع زیستی اشاره کرد (Ryan et al., 2012؛ مهربان کوچانی و همکاران، ۱۳۹۸). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تالاب‌ها، تنوع زیستی آن‌ها است که ارزش خاصی به آن‌ها می‌دهد. اگرچه ممکن است تالاب‌ها و ارزش‌های آن به‌طور مستقیم و غیرمستقیم مورد بهره‌برداری قرار نگیرد، ولی این ارزش‌ها در آن‌ها وجود دارد و با نگهداری و حفظ آن‌ها می‌توان ارزش تالاب‌ها را ارتقا داد. تالاب‌ها نه‌تنها قسمتی از سفره‌های آب زیرزمینی منطقه را تأمین می‌کنند، بلکه محیطی را فراهم می‌آورند که بسیاری از پرندگان، ماهی‌ها و آبزیانی که حیات آن‌ها وابسته به وجود چنین نقاطی است، بتوانند از این مناطق به‌عنوان بهترین زیستگاه برای بقا و یافتن غذا استفاده کنند. سیستم‌های تالابی حتی از اکوسیستم‌های کشاورزی نیز حاصلخیزتر هستند و برعکس اکوسیستم‌های کشاورزی، تولیدات تالابی به هیچ عامل انسانی وابسته نیست. به‌علاوه سایر تولیدات تالابی مانند آبزیان، پرندگان و پستانداران نیز بر اهمیت این اکوسیستم‌ها می‌افزاید (اردو و عوفی، ۱۳۹۳).

نقش‌های متعدد اکوسیستم‌های تالابی و ارزش آن‌ها برای بشر در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای مشخص گردیده است از جمله تصفیه آب، ترسیب کربن، تهیه غذا، تنظیم سیل، حفاظت از طوفان، اکوتوریسم و حمایت از تنوع زیستی و حتی ارزش‌های فرهنگی و معنوی (Mitsch et al., 2015). این امر منجر به هزینه‌های کلان برای احیای عملکردهای هیدرولوژیکی و بیولوژیکی از دست‌رفته یا تخریب‌شده تالاب‌ها شده است. با توجه به رشد جمعیت و افزایش مصرف آب شیرین در جهان پیش‌بینی می‌شود که تا سال ۲۰۲۵ از هر سه نفر روی کره زمین دو نفر ممکن است در شرایط کم‌آبی زندگی کنند و این خود دلیل دیگری برای حفظ تالاب‌ها می‌باشد. از طرفی تالاب‌ها برای سلامت و رفاه افرادی که در نزدیکی آن زندگی می‌کنند، مهم و ضروری است. همچنین تالاب‌ها مزایای اقتصادی فوق‌العاده‌ای دارند، به‌عنوان مثال تأمین آب، شیلات (بیش از دوسوم برداشت ماهی در جهان به‌سلامت مناطق تالاب ساحلی و داخلی مرتبط است)، کشاورزی، حیات‌وحش، حمل‌ونقل، گردشگری و غیره (The Ramsar Convention Secretariat, 2007). تالاب‌ها به دلیل تأثیرات اکولوژیکی که بر محیط‌زیست و زندگی ساکنین اطراف خود می‌گذارند، همیشه دارای اهمیت بوده‌اند و زندگی همه جوامع اطراف تالاب به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به آن وابسته است (Asmare et al., 2022؛ رنجبر و همکاران، ۱۳۹۸). با اینکه تالاب‌ها سالانه حدود ۴۷/۴ تریلیون دلار خدمات اکوسیستمی را در سطح جهانی ارائه می‌دهند و از تنوع زیستی عظیم پشتیبانی می‌کنند (Davidson et al., 2019)، اما متأسفانه به دلایل مختلف از جمله تغییرات اقلیمی و افزایش خشکسالی و وجود یک سری دخالت‌های انسانی از جمله سدسازی و افزایش سطح زیرکشت زمین‌های اطراف تالاب‌ها و مسائلی از این دست خشکیدگی تالاب‌ها آغاز شده و با سرعت زیادی در حال افزایش است (Nemutamvuni et al., 2020). تا آنجا که در حال حاضر تعداد اندکی از تالاب‌ها و دریاچه‌های موجود خشک نشده‌اند که البته آن‌ها نیز وارد این روند شده ولی هنوز به خشکیدگی کامل نرسیده‌اند و باید با

مدیریت و برنامه‌ریزی دقیق این روند را کند کرد. برای کند و متوقف کردن روند خشکیدگی تالاب‌ها و سپس آغاز روند احیا نیاز به مشارکت و همکاری اقشار مختلف جامعه است که این عمل در برخی موارد بسیار کم‌رنگ بوده است. بهره‌برداری پایدار، توسعه گردشگری، اقدامات حفاظتی و برگزاری جلسات آموزشی مهم‌ترین عوامل مؤثر در حفاظت و حمایت از تالاب است. بهره‌برداری پایدار و توسعه گردشگری می‌تواند نقش مهمی در توانمندسازی جامعه محلی اطراف تالاب و همچنین کسب درآمد پایدار برای آن‌ها داشته و سبب افزایش مشارکت این قشر می‌گردد (کلاهی و همکاران، ۱۴۰۱).

یکی از عوامل مؤثر در توسعه روستایی توجه به مشارکت و تأکید بر نقش آن است، زیرا مشارکت زمینه را برای افزایش کارایی برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کیفیت تصمیم‌گیری برای مناطق روستایی فراهم می‌کند (شریفی‌نیا، ۱۳۹۹؛ رضائی و همکاران، ۱۴۰۱). از نگاه کرمی و رضائی‌مقدم (۱۳۹۸) در مطالعه "اقدام‌پژوهی مشارکتی: حلقه اتصال پژوهش و اقدام در مدیریت تعاونی‌های کارآفرین کشاورزی" مشارکت به‌مانند کلید احساس تعلق برای بهبود و ارتقاء کیفیت زندگی است که سبب می‌شود مشارکت‌کنندگان، زمان و انرژی لازم را برای رسیدن به آن صرف کنند. پل، مشارکت را مرتبط با توسعه تعریف و در سطح محلی تجزیه و تحلیل کرده است. به گفته وی مشارکت محلی (Community participation) فرآیندی است فعال که بهره‌مندان به‌جای آنکه صرفاً سهمی از مزایای پروژه دریافت کنند، بر اجرای پروژه‌های توسعه اثر می‌گذارند (سعیدی، ۱۳۹۸). مشارکت محلی، عامل مهمی برای موفقیت و شکوفایی توسعه روستایی است (Ofuoku, 2011) یا به عبارتی مشارکت بدون توسعه بی‌معنی است چراکه سراسر وجود توسعه را فرا گرفته است (Mawdsley, 2015). از طرفی مطالعات در کشورهای درحال توسعه نشان داده که رهیافت‌های مشارکتی برای توسعه روستایی موفقیت‌آمیز بوده و شکست یا موفقیت طرح بستگی به میزان مشارکت جامعه محلی در پروژه و طرح دارد. به این معنی که هرچقدر مشارکت جامعه محلی در مراحل مختلف طرح نادیده گرفته شود، آن طرح به شکست می‌انجامد (Daneshmehr, 2012). در تحقیقی نشان داده شد که با اعتمادسازی میان مردم و نهادهای مذکور مشارکت جامعه محلی بیشتر شده و از طرفی نیز با افزایش مشارکت، میزان اعتماد نیز بیشتر می‌شود (عبدالله‌رش و همکاران، ۱۳۹۱). نهادهای ذینفع باید به‌عنوان تسهیلگر وارد شده و صرفاً نقش روان-سازی را برای گروه‌ها و طیف‌های مختلف داشته باشند تا زمینه خودباوری جامعه محلی شکل گرفته و به دنبال آن مشارکت آن‌ها افزایش یابد. مهم‌ترین موانع مشارکت مردم محلی در طرح‌های توسعه روستایی و مدیریت پایدار، محدودیت منابع مالی، وابستگی به قدرت محلی و دولتی، مطابقت نداشتن برنامه‌ها با اعتقادات، رسوم محلی و تجارب روستاییان و نداشتن سواد و مهارت‌های تخصصی و نبود ساختار مناسب برای تشویق و تقویت روستاییان است (کریمی، ۱۳۹۵).

مشارکت از لحاظ موضوع، تقسیم‌بندی‌های مختلفی دارد که مشارکت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و گاه مشارکت روانی از جمله دسته‌بندی‌های مهم آن هستند (سعیدی، ۱۳۹۸؛ جاراللهی و محسنی، ۱۳۹۳؛ شاهنوری و همکاران، ۱۳۹۷؛ قیصری، ۱۳۹۸؛ Wanchi & Phrompayak, 2019؛ Deth, 2014). مشارکت اقتصادی با تولید و نظام‌های مربوطه از جمله شیوه تولید و روابط حاکم بر آن ارتباط نزدیکی دارد. از دید این نوع مشارکت، یکی از روش‌های بهینه‌سازی عملکرد اقتصادی و افزایش فرصت‌های مشارکت، کاهش مقررات دولتی و فروش بنگاه‌های دولتی کم‌بازده است. مشارکت سیاسی به معنی شرکت فرد در اعمال قدرت در سطوح مختلف است که این سطوح می‌تواند از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی در اموری که برای مدت طولانی در دست طبقات اجتماعی خاصی بوده است، باشد. مشارکت فرهنگی ارتباط میان این نوع مشارکت با مشارکت سیاسی بیش از دیگر انواع مشارکت‌هاست. عملکرد مردم در مشارکت فرهنگی تولید و ارتقا فرهنگ در میان اقشار مختلف است. در مشارکت اجتماعی، اجتماع به هم می‌پیوندد تا عملکردهای مورد نیاز یا مورد انتظار را به اجرا درآورد. در این مشارکت شخصیت انسان شکل می‌گیرد و فرد برای زندگی گروهی آماده می‌شود. مشارکت اجتماعی شامل حضور پایدار عناصر سازنده جامعه در حوزه وسیعی از فعالیت‌ها مثل عضویت، همکاری و فعالیت‌های فردی و جمعی افراد جامعه در انجمن‌ها و تشکل‌های دولتی و غیردولتی اعم از انجمن‌های مذهبی، علمی، اجتماعی، اقتصادی، حرفه‌ای، شغلی، انجمن‌های محلی، منطقه‌ای و ملی و غیره است. مشارکت روانی در قالب ایجاد تغییر و دگرگونی در ذهنیت‌ها، شکستن عقاید نامتعارف و شرکت در عمل جمعی مشترک، گرایش و آمادگی روانی لازم را برای کنش جمعی فراهم می‌نماید.

مشارکت دلایل مختلفی دارد که با توجه به شرایط تغییر می‌کند. در تحقیقی، دلیل اصلی برای مشارکت افراد مسن، وجود نفع شخصی بیان گردیده که آن‌ها را ترغیب به مشارکت می‌کند. از دیگر دلایل مشارکت و یا عدم مشارکت سالمندان وضعیت

سلامت و سن بالاست. همچنین جنسیت نیز دلیل بعدی است زیرا مردان بیشتر از زنان دارای مسئولیت بوده‌اند و زنان کمتر شرایط مشارکت را دارند؛ بنابراین باید این عدم‌تعادل‌ها مرتفع شده و راه‌هایی برای بهبود کیفیت زندگی پیاده شود (Lengerer *et al.*, 2022). مطالعه در روستاهای غنا نشان داد که کشورهای درحال‌توسعه با افزایش ناتوانی بخش کشاورزی مواجه‌اند؛ بنابراین، برای حمایت از معیشت روستایی، مشارکت در فعالیتهای غیرکشاورزی ضروری است و با هدف بهبود معیشت روستایی باید مورد تأکید قرار گیرد (Dary & Kuunibe, 2012). تحقیقات نشان می‌دهد که توسعه و گسترش نگرش کشاورزان به مشارکت می‌تواند دیدگاه آن‌ها را در زمینه مدیریت مصرف آب در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و محیطی افزایش دهد (Starkloff, 2001). راحمی اردکانی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود با عنوان "تحلیل عواملی موانع مشارکت جوامع محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی طرح ترسیب کربن در منطقه‌ی لپویی، زرقان، استان فارس" به شش دلیل برای موانع مشارکت دست پیدا کردند. این شش عامل عبارت‌اند از نبود اعتماد و باور متقابل، ناآگاهی و نبود وسایل ارتباط-جمعی، موانع اداری و نهادی، موانع اجرایی، نبود حمایت و پشتیبانی دولت و نبود نیازسنجی و جلب رضایت مردم. مجموع این شش عامل باعث نارضایتی مردم از این‌گونه طرح‌ها و مشارکت نکردن در اجرای آن‌ها شده است. این در حالی است که طبق تحقیقات پارکیز و همکاران (Parkes *et al.*, 2010) عواملی مانند تعلیم و تربیت، وابستگی به دولت، عضویت در نهادهای اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ایجاد اشتغال، تجربه، سطح تحصیلات، تعداد افراد تحت تکفل و شغل بر میزان مشارکت در طرح‌های حفاظتی اثرگذار است.

فولادی‌زاده و محمدبیگی (۱۳۹۵) در تحقیقی تحت عنوان "بهبود مشارکت و توانمندسازی جامعه محلی، گامی در جهت توسعه منابع طبیعی" معتقدند اجرا و پیاده‌سازی مشارکت دارای موانعی از قبیل منطبق نبودن برنامه‌ها با نیازهای روستاییان، نبود آموزش‌های لازم به روستاییان، پایین بودن ارتباط روستاییان با کارشناسان و مروجان منابع طبیعی، دیربازده بودن طرح‌های توسعه، سخت بودن گرفتن وام و غیره است. همچنین آن‌ها سه اصل را برای مشارکت تعریف کرده‌اند که عبارت‌اند از گفت‌وگو، تفاهم و اجماع و اصل رضایت‌مندی. به این صورت که در ابتدا اجازه داده می‌شود تا مشارکت‌کنندگان به بیان علاقه-مندی‌های خود در زمینه مورد گفتگو بپردازند. سپس بر اساس گفت‌وگو انجام شده به یک توافق جمعی برای تصمیم‌گیری‌ها رسیده و در نهایت تلاش شود که در صورت امکان تمام علاقه‌مندی‌های مشارکت‌کنندگان مورد توجه قرار گیرد تا رضایت‌مندی حاصل شود. در تحلیل موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی در دهستان بیشه شهرستان قائم‌شهر مهم‌ترین موانع مشارکت مردم محلی به ۵ عامل اقتصادی-مالی، فردی و شخصیتی، نهادی و سازمانی، اطلاعاتی و ارتباطی و موانع اجتماعی و فرهنگی تقسیم شده است. در این تحقیق دلایل مشارکت پایین این‌گونه بیان شده است: عدم مهاجرپذیری، حفظ فرهنگ محلی و باورهای سنتی-مذهبی و علاقه‌مندی و احساس مسئولیت بیشتری به مشارکت در توسعه روستا به دلیل وابستگی و شناخت عمیق مردم محلی از خود و مدیران روستا. برای مشارکت بالا نیز دلایلی مشخص شده که عبارت‌اند از موقعیت خاص جغرافیایی، شرایط اقلیمی و راه دسترسی مناسب که سبب شده انسجام فرهنگی و قومی روستا تحت تأثیر قرار گیرد (شریفی-نیا، ۱۳۹۹). در تحقیقی دیگر شش عامل به‌عنوان موانع مشارکت شناسایی شدند که به ترتیب عبارت‌اند از عامل اجتماعی، آموزشی-ترویجی، نهادهای دولتی، اقتصادی، نهادهای روستایی و نهاد حقوقی-قانونی. برطبق این مطالعه مؤلفه اجتماعی بیشترین مانع مشارکت است و همین امر باعث شده که عدم‌مشارکت روستاییان در طرح‌های عمرانی پیامدهای منفی زیادی را در پی داشته و موجب شود تا روستاها به میزان زیادی از عدم‌مشارکت اجتماعی روستاییان آسیب ببینند. چگونگی راه‌های جلب مشارکت روستاییان که در این تحقیق بیان شده عبارت‌اند از انجمن‌های روستایی، کارگاه‌های مشترک دولت، رسانه‌های گروهی، معتمدین روستا، نظرسنجی و آموزش و اطلاع‌رسانی (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸).

مطالعه مشارکت مردمی در اوگاندا نشان داد که استراتژی‌های توسعه‌ای دولت مرکزی باید از مشارکت بهره‌جوید تا مالکیت و توانمندی بالایی به‌دست آورد. منظور این است که مشارکت در توسعه‌ی روستایی نیازمند تقویت نقش انجمن محلی در بسیج، مشارکت در برنامه‌ریزی و انتخاب رهبران بدون دخالت دولت مرکزی است؛ بنابراین، مشارکت پیش از آنکه به بهبود منافع همگانی و کاهش فقر منجر شود، می‌بایست به توانمندسازی و کارآمدی تبدیل شود (Kakumba, 2010). از طرفی دیگر با توجه به اینکه هدف از مشارکت به‌دست‌آوردن شتاب در فرآیند توانمندسازی انسان و همچنین شرط ضروری برای توسعه است، دانشمندان معاصر نیز

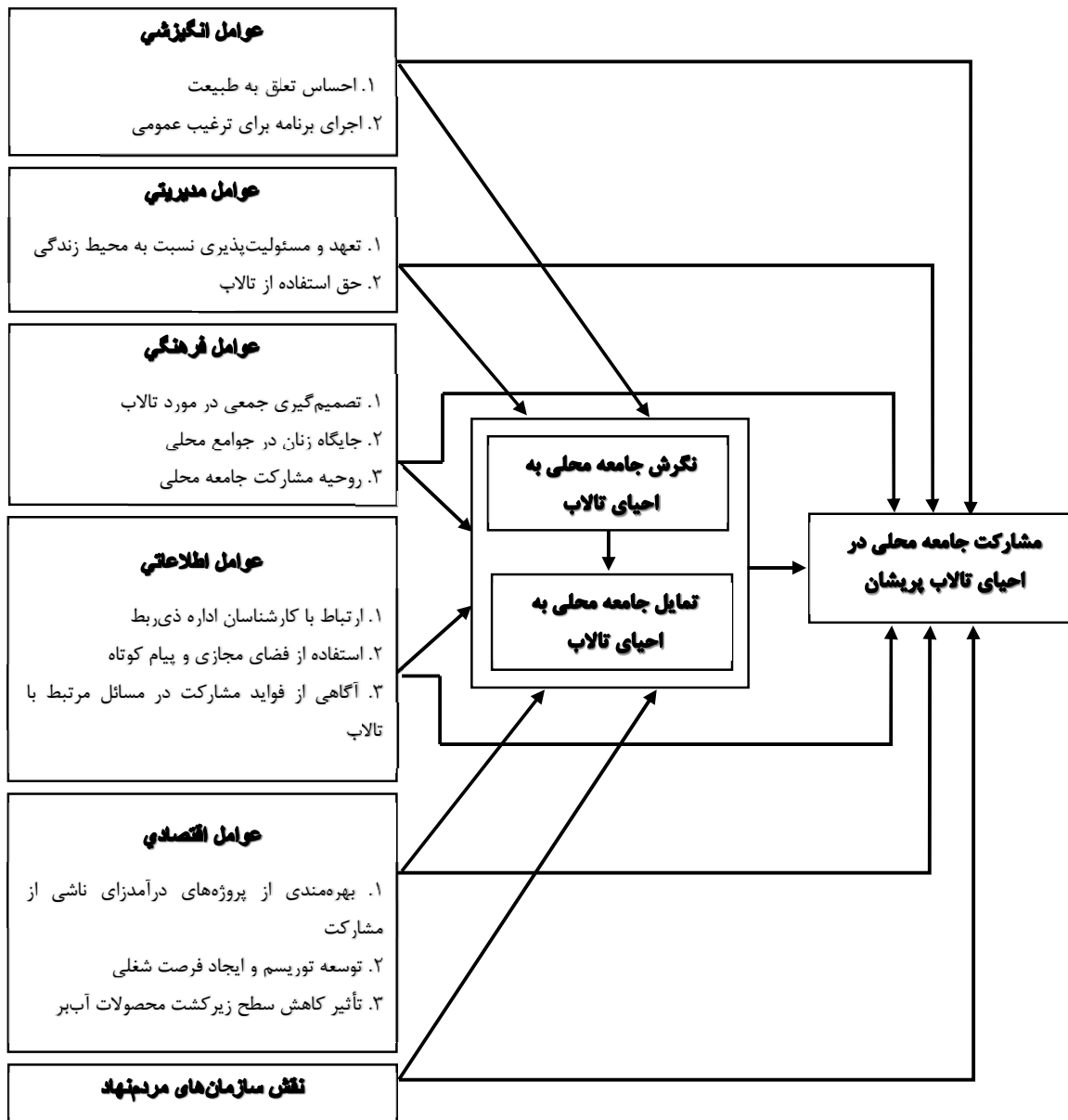
باید به دفاع از مشارکت مردم در پروژه‌های توسعه بپردازند هرچند که شیوه‌های مشارکتی هنوز در مرحله نوپایی است و به نهادینه شدن نیاز دارد (Chetri, 2013).

نقش مشارکت جوامع محلی به‌عنوان ذی‌نفعان اصلی در حفاظت از منابع طبیعی مهم و اساسی است؛ بنابراین می‌توان جوامع محلی خصوصاً جوانان را با آموزش و توسعه طرح‌های توانمندسازی به‌ویژه در پروژه‌های گردشگری و حفاظت محیط‌زیست فراخواند. برای افزایش آگاهی بین مردم محلی در زمینه منافع حاصل از تالاب و ایجاد انگیزه برای حفاظت از محیط‌زیست تالاب از روش‌هایی همچون تبلیغات، تهیه بروشور و پوستر، برگزاری کلاس‌های آموزشی و اطلاع‌رسانی بهره‌گیری می‌شود. چنین اقداماتی سبب خواهد شد هم مردم محلی در منافع تالاب سهیم شوند و هم بسیاری از تعارضات حل گردد (غلامحسین قوچانی و همکاران، ۱۴۰۲). افزایش نقش زنان، برگزاری سمینارها و کنفرانس در سطح محلی و ملی، ارتقای سطح درآمد افراد و مدیریت کارآمد از جمله مواردی هستند که سطح مشارکت در بین جوامع محلی را افزایش می‌دهند (هوشیار و همکاران، ۱۴۰۰).

شهرستان کازرون با مساحت ۴۵۴۸ کیلومترمربع با طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۳۹ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۳۷ دقیقه و با ارتفاع ۸۲۰ متر از سطح دریا در غرب استان فارس قرار گرفته است (صفاری و همکاران، ۱۳۹۱). تالاب پریشان با وسعت ۴۷۰۰ هکتار در ارتفاع ۸۵۳ متری از سطح دریا در شرق شهرستان کازرون در استان فارس و در منطقه حفاظت‌شده ارژن-پریشان واقع شده است. این تالاب یکی از تالاب‌های ثبت شده در کنوانسیون رامسر است که به همراه تالاب ارژن از طرف یونسکو به‌عنوان ذخیره‌گاه زیست‌کره شناخته شده است. در سال‌های اخیر توسعه ناپایدار در این حوضه و بهره‌برداری‌های بی‌رویه از منابع آب زیرزمینی همراه با خشکسالی‌های طولانی مدت، این تالاب را با بحران‌های جدی روبرو ساخته است. گستره حوضه‌ی آبخیز پریشان که در ۱۲ کیلومتری جنوب شرقی کازرون قرار دارد، در حدود ۲۳۰۰۰ هکتار است. پریشان تالابی دائمی با آب شیرین تا نیمه شور با ویژگی الیگوتروف (واژه الیگوتروف برای محیط‌های خشکی و آبی با غلظت‌های بسیار کم نیترات‌ها، آهن، فسفات‌ها و منابع کربن استفاده می‌شود) بود که اجتماع انبوهی از گیاهان علفی و نی بخش‌هایی از آن را می‌پوشاند. این نیزارهای گسترده از مهم‌ترین مکان‌های زادآوری گونه‌هایی مانند پلیکان خاکستری، کفچه‌نوک، حواصیل، باکلان و کشیم است. کناره‌ی دریاچه پریشان را به‌جز بخش شمال غرب آنکه به نی‌زار می‌رسد، روستاها و کشتزارهای کشاورزی احاطه کرده است (لطفی، ۱۳۸۹؛ دهقانی، ۱۳۸۴؛ جمعی از مؤلفین طرح حفاظت از تالاب‌های ایران و همکاران، ۱۳۸۸). آب دریاچه را باران، روان آب‌ها و چشمه‌های همیشگی و فصلی اطراف تالاب تأمین می‌کند. حجم آب دریاچه ۵۱ میلیون مترمکعب برآورد شده است. در اطراف تالاب ۱۷ دهانه چشمه همیشگی و فصلی وجود دارد. از سال ۱۳۸۶ با کاهش سفره‌های آب زیرزمینی آبدهی چشمه‌ها کم شده و در سال ۱۳۹۲ تالاب به حالت خشکیدگی کامل فرو رفت. تالاب پریشان بخشی از منطقه‌ی حفاظت‌شده‌ی ارژن و پریشان است. این منطقه با گستره ۱۹۱ هزار هکتار در سال ۱۳۵۱ "پارک ملی" و با کاهش گستره در سال ۱۳۵۳ "منطقه حفاظت‌شده" شناخته شد. این منطقه در فهرست ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره‌ی یونسکو با عنوان "ذخیره‌گاه زیست‌کره‌ی ارژن و پریشان" ثبت گردید. تالاب‌های ارژن و پریشان در سال ۱۳۵۵ در فهرست تالاب‌های بین‌المللی پیمان رامسر نیز ثبت شده‌اند. این تالاب‌ها از جایگاه‌های با اهمیت برای پرندگان مهاجر (IBA) شناخته می‌شوند (چاوک و محسنی، ۱۳۹۵؛ لطفی، ۱۳۸۹؛ جمعی از مؤلفین طرح حفاظت از تالاب‌های ایران و همکاران، ۱۳۸۸). تالاب پریشان به لحاظ داشتن آبی شیرین و موقعیت قرارگیری خاصی که دارد، از دیرباز مورد توجه بوده است. وجود ۱۸ پارچه روستا با بیش از نه‌هزار نفر جمعیت و بیش از ۱۲ هزار هکتار زمین زراعی و باغی در اطراف این تالاب گویای این است که وجود تالاب برای مردم منطقه از چه جایگاه و ارزشی برخوردار بوده است (لطفی، ۱۳۸۹). تقریباً زندگی و معیشت تمام مردم منطقه به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم به تالاب گره خورده است. در بیش از یک دهه‌ای که از خشکیدگی تالاب پریشان می‌گذرد، نه‌تنها تغییری در شیوه کشاورزی و تغییر معیشت دیده نشده؛ بلکه افزایش سطح زیرکشت و فصول کشت به‌طور چشم‌گیری افزایش داشته است. حتی با توجه به شور شدن آب و افزایش EC (Electrical Conductivity) آن و آبیاری زمین‌های کشاورزی با آب موجود سبب آسیب رساندن به خاک و عدم حاصلخیزی آن در طول چند سال آینده خواهند شد. از دیگر موارد پیش‌رو در چند سال آینده با از بین رفتن منابع آبی و خاکی، کوچ ساکنان منطقه به شهرهای اطراف و حتی مرکز از معضلات اجتماعی است که جای تحقیق و تحلیل دارد. با جستجوی منابع مختلف به‌جز تعداد معدودی مقاله و تحقیق، منابعی که نشان دهد در مدت ۱۵ سال که روند خشکی تالاب پریشان شروع شده، آموزش و اطلاع‌رسانی مناسبی انجام گرفته و یا گروهی دولتی یا حتی غیردولتی برای اقدام به کاری تخصصی به‌صورت جدی ورود کرده باشند؛ پیدا نشد. همین عدم‌اقدام و فعالیت در این مدت باعث بروز مخاطراتی جدی در تالاب

## تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان

شده به طوری که بعضی از آنها مانند ایجاد فروچاله و نشست زمین در سطح تالاب غیرقابل جبران است. بر همین اساس در این تحقیق به بررسی تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی به‌عنوان بزرگ‌ترین جامعه ذی‌نفع تالاب پرداخته شد. در این تحقیق عوامل مؤثر بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان دربرگیرنده عوامل انگیزشی، مدیریتی، فرهنگی، اطلاعاتی، اقتصادی و سازمان‌های مردم‌نهاد است که با تأثیر بر متغیرهای میانجی نگرش و تمایل جامعه محلی به احیای تالاب، مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب را افزایش می‌دهند. مؤلفه‌های پژوهش با توجه به مطالعه "بررسی عوامل مؤثر در مشارکت در اقدامات حفاظتی سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه تالاب کانی‌بrazان مهاباد" که حجازی و همکاران (۱۳۹۳) انجام داده‌اند و مطالعه انجام شده توسط میرزایی و همکاران (۱۳۹۷) تحت عنوان "اولویت‌بندی عوامل تأثیرگذار بر پایداری اکوسیستم تالاب شادگان" همچنین پژوهش "بررسی اهمیت روستاهای حاشیه تالاب انزلی از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، گردشگری" که توسط دادرس (۱۳۹۱) صورت گرفته، شناسایی و مورد بررسی قرار گرفت.



نگاره ۱- چارچوب مفهومی عوامل مؤثر بر مشارکت جامعه محلی در راستای احیای تالاب پریشان

## روش پژوهش

این تحقیق با استفاده از روش پیمایش در حوضه تالاب پریشان در استان فارس شامل تمام بهره‌برداران کشاورزی در ۱۸ پارچه روستای اطراف تالاب پریشان انجام شد. داده‌های مورد نیاز با طراحی پرسشنامه با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی، جمع‌آوری گردید. طبق فرمول نمونه‌گیری (Fowler, 2009)، حجم نمونه، ۲۵۰ نفر از جامعه محلی برآورد شد. با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و گفتگو با صاحب‌نظران در این حوزه متغیرهای مورد نظر شناسایی و پرسشنامه تنظیم شد. روایی پرسشنامه به تأیید اساتید بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز رسید. همچنین برای پایایی ابزار سنجش با انجام یک مطالعه راهنما، ۳۰ نفر از جامعه محلی اطراف تالاب پریشان خارج از نمونه اصلی انتخاب و پرسشنامه توسط آنان تکمیل شد. بعد از محاسبه ضرایب آلفای کرونباخ (جدول ۱)، اصلاحات لازم صورت گرفت. با توجه به جمعیت هر روستا و نوع شغل آن‌ها از هر روستا، نمونه به تصادف انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای AMOS و SPSS مورد تحلیل قرار گرفت.

جدول ۱- ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ
احساس تعلق به طبیعت	۰/۹۱
اجرای برنامه برای ترغیب عمومی	۰/۸۵
تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی	۰/۸۴
حق استفاده از تالاب	۰/۷۹
تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب	۰/۶۱
جایگاه زنان در جوامع محلی	۰/۸۵
روحیه مشارکت جامعه محلی	۰/۹۳
ارتباط با کارشناسان اداره ذی‌ربط	۰/۷۷
استفاده از فضای مجازی و پیام کوتاه	۰/۷۶
آگاهی از فواید مشارکت در مسائل مرتبط با تالاب	۰/۸۲
توسعه توریسم و ایجاد فرصت شغلی	۰/۸۸
تأثیر کاهش سطح زیرکشت محصولات آبر	۰/۹۰
نقش سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۹۲
نگرش جامعه محلی به احیای تالاب	۰/۷۴
تمایل جامعه محلی به احیای تالاب	۰/۸۸
مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان	۰/۸۱

تعریف متغیرهای بیان شده در جدول بالا در ادامه و در جدول ۲ آورده شده است. کلیه متغیرها با استفاده از طیف لیکرت سنجیده شدند.

## یافته‌ها و بحث

در ابتدای این قسمت لازم است توضیحاتی در مورد جامعه مورد مطالعه داده شود. به‌منظور بررسی تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان مجموعه‌ای از متغیرها مورد بررسی قرار گرفت. اکثریت پاسخگویان در بازه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال بوده و گروه سنی ۶۰ تا ۸۰ سال کمترین تعداد را شامل می‌شدند. اکثریت افراد متأهل و دارای مدرک تحصیلی دیپلم بوده و خانوارهای ۳ تا ۴ نفره بیشترین میزان تعداد اعضای خانوار را تشکیل می‌دادند. بیشترین افراد پاسخگو دو شغله هستند و نکته جالب‌توجه این است که هم در آمار شغل اول و هم در آمار شغل دوم، زراعت بالاترین میزان را داراست و بیشترین سطح زیر کشت شامل ۲ هکتار و کمتر است.

**رابطه متغیرهای پژوهش با مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب:** جدول ۳ نشان می‌دهد که بین تحصیلات (۰/۱۶۶ -  $r=$   $P=0/009$ ) و سطح زیر کشت ( $r= -0/309$ ,  $P=0/0001$ ) با مشارکت رابطه معنادار و منفی وجود دارد. به عبارتی با کاهش سطح زیر کشت میزان مشارکت افزایش پیدا می‌کند. اسکندری دامنه و همکاران (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیدند که با افزایش

## تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان

سطح زیر کشت، میزان مشارکت جامعه محلی نیز افزایش پیدا می‌کند. همچنین مشارکت در بین افراد دارای تحصیلات کمتر، بیشتر است. تحقیق راحمی اردکانی و همکاران (۱۳۹۷) برخلاف این پژوهش، نشان داد که هرچقدر میزان سواد جامعه مورد مطالعه کمتر باشد، میزان مشارکت نیز کاهش پیدا می‌کند.

جدول ۲- تعریف متغیرهای پژوهش

متغیر	تعریف
عوامل انگیزشی	احساس تعلق به مشخص‌کننده میزان ارتباط و وابستگی هر شخص به طبیعت محل زندگی خود است که احساسات مربوط به طبیعت به دل‌بستگی، آرامش و یکی بودن نسبت به محیط‌زیست و مسائل مرتبط با آن را در برمی‌گیرد. سؤالات مربوط به این قسمت با استفاده از مطالعات بدری گرگری و همکاران (۱۳۹۰) و کلانتری و همکاران (۱۳۹۵) تنظیم و سنجیده شد.
	اجرای برنامه برای ترغیب عمومی محلی، آن‌ها را تشویق به مشارکت برای احیای تالاب کند. برنامه‌هایی شبیه کارگاه‌های آموزشی، مسابقه، جشن، پخش کتاب، تراکت، نشریه و ...
عوامل مدیریتی	تعهد و مسئولیت- بیانگر سنجش میزان پایداری هر فرد در قبال حفظ محیط‌زیست، حفظ منابع آبی، حفظ گونه‌های گیاهی و پذیری نسبت به محیط زندگی و در کل حفظ منطقه زندگی‌اش است و با استفاده از طیف لیکرت از یک (خیلی کم) تا پنج (خیلی زیاد) سنجیده شد.
	حق استفاده از تالاب بیانگر سنجش میزان پایداری هر فرد در قبال حفظ محیط‌زیست، حفظ منابع آبی، حفظ گونه‌های گیاهی و جانوری و در کل حفظ منطقه زندگی‌اش است.
متغیرهای مستقل	تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب بیانگر این است که هر عمل یا هر برنامه‌ریزی و اقدام به عملی در مورد تالاب باید به‌صورت همگانی بوده و تمام ذی‌نفعان حق اظهارنظر در این رابطه را داشته باشند که با پرسش حول محور "میزان شرکت فرد در جلسات" و "سنجش ترتیب اثر دادن نظرات آن‌ها در تصمیم‌گیری‌ها" انجام گرفت.
	جایگاه زنان در جوامع محلی با توجه به اینکه زنان نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می‌دهند، توجه به مقام و مرتبه و مشارکت زنان علاوه بر اینکه از اهداف توسعه اجتماعی و اقتصادی در جامعه است، ابزاری مؤثر در تحقق اهداف توسعه پایدار نیز است (رحمانی و مجیدی خامنه، ۱۳۸۸). متغیر جایگاه زنان مشخص‌کننده مقام زنان جامعه مخاطب در اجرا و پیشبرد فعالیت‌های مرتبط با تالاب است.
عوامل فرهنگی	ایجاد روحیه مشارکت بین عموم مردم منظور سنجش میزان علاقه‌مندی به همکاری بین تمام گروه‌های مختلف جامعه با هدف احیای تالاب است که با برنامه‌هایی متناسب با طیف سنی مختلف قابل برگزاری است.
	ارتباط با کارشناسان اداره ذی‌ربط بیانگر میزان تماس و مرادده جامعه محلی با کارشناسان ادارات جهادکشاورزی، محیط‌زیست، میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری، منابع طبیعی و امور منابع آب، در یک بازه زمانی مشخص و صرفاً برای مسائل مربوط به تالاب می‌باشد.
عوامل اطلاعاتی	استفاده از فضای مجازی و سرویس پیام کوتاه منظور سنجش میزان بهره‌بردن فرد از فضای مجازی و پیام کوتاه در افزایش اطلاعات مربوط به تالاب است.
	آگاهی از فواید مشارکت در مسائل مرتبط با تالاب منظور سنجش آگاهی فرد از مزایا و محاسن همکاری در موضوعات مربوط به تالاب در راستای رسیدن به هدف احیای تالاب است.

ادامه جدول ۲

متغیر	تعریف	
متغیرهای مستقل	بهرمندی از پروژه- های درآمدزای ناشی از مشارکت	منظور مشخص شدن میزان همکاری گرفتن ادارات حفاظت محیط‌زیست، منابع طبیعی و مدیریت جهاد کشاورزی از جامعه محلی در اجرای پروژه‌های محیط‌زیستی مرتبط با تالاب است.
	توسعه توریسم و ایجاد فرصت شغلی	در راستای توسعه توریسم باید به اکوتوریسم (سفر به مناطق بکر که کمترین تخریب محیط‌زیست را به دنبال داشته باشد و شرایط مناسبی برای اقتصاد مردم محلی به وجود آورد، اکوتوریسم گفته می‌شود.) و اکوکمپ (به اقامتگاه‌های موقت در مناطق بکر اطلاق می‌شود که تمام خدمات آن با محیط‌زیست منطقه هماهنگی دارد.) نیز اشاره کرد. اکوکمپ سبب افزایش توانمندی جامعه محلی در مواردی مانند دسترسی به منابع مالی جدید، افزایش اعتمادبه‌نفس، تولید محصولات ارگانیک و ... خواهد شد که این موارد افزایش مشارکت را به همراه دارد (هاشمی و خسروی، ۱۳۹۴). طبق نتایج حاصل از پژوهش صفاری و همکاران (۱۳۹۱) تالاب پریشان جزو یکی از جاذبه‌های گردشگری شهرستان کازرون محسوب می‌شود، پس این پتانسیل وجود دارد که با آموزش در این راستا بتوان صنعت گردشگری در منطقه را ترویج داد. متغیر توسعه توریسم و ایجاد فرصت شغلی بیانگر گسترش و بسط دادن صنعت گردشگری در منطقه و به دنبال آن به وجود آمدن فرصت‌های شغلی جدید و متناسب با موقعیت است.
عوامل اقتصادی	تأثیر کاهش سطح زیرکشت محصولات آب‌بر	منظور مشخص شدن نگاه مخاطب در روند احیای تالاب با کم کردن سطح کشت محصولات کشاورزی غالب و آب‌بر منطقه است.
	نقش سازمان‌های مردم‌نهاد	مشخص شدن جایگاه و وظیفه سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشبرد فعالیت‌ها و ایجاد ترغیب و حس مشارکت در بین عموم مردم به‌ویژه ذی‌نفعان است.
متغیرهای مداخلی	نگرش جامعه محلی به احیای تالاب پریشان	منظور مشخص شدن دیدگاه و نظر جامعه محلی اطراف تالاب به پرآب بودن و رونق تالاب است.
	تمایل جامعه محلی به احیای تالاب پریشان	مشخص شدن میزان دل‌بستگی و رغبت جامعه محلی به احیای تالاب است که با سؤالات مرتبط با تالاب پرسیده شد.
متغیر وابسته	اجتماعی	این مؤلفه مشخص‌کننده وضعیت و تفکرات اجتماعی حاکم بر منطقه است که بر فعالیت‌های هر فرد در زمینه اقدام برای احیای تالاب و آگاه‌سازی عمومی اثرگذار است.
	اقتصادی	منظور مشخص شدن میزان همکاری جامعه محلی در احیای تالاب با تغییر در نوع کشت و یا حتی تغییر در شغل خود است.
مشارکت جامعه محلی	فردی	بیانگر نوع نگاه و عملکرد شخصی فرد، به فعالیت‌هایی است که می‌تواند با همکاری در آن کار، برای احیای تالاب گامی بردارد.

احساس تعلق به طبیعت ( $t= ۰/۲۹۱$ ،  $P=۰/۰۰۰۱$ ) رابطه مثبت و معنی‌داری با مشارکت دارد. این بدان معنی است که با افزایش احساس تعلق به طبیعت، میزان مشارکت نیز افزایش پیدا می‌کند. در مطالعه کلانتری و همکاران (۱۳۹۵) نیز ارتباط احساس تعلق به محیط‌زیست با ارزش‌های زیست‌محیطی همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. اجرای برنامه برای ترغیب عمومی ( $t= ۰/۱۶۷$ ،  $P=۰/۰۰۸$ ) رابطه مثبت و معنی‌داری با مشارکت دارد. در واقع یکی از راه‌های افزایش مشارکت، افزایش برگزاری یک سری برنامه‌هایی است که سبب آگاه‌سازی و تشویق جامعه مورد مطالعه می‌گردد. راحمی اردکانی و همکاران (۱۳۹۷) به این نتیجه رسیدند که یکی از موارد عدم مشارکت جامعه محلی در اجرای طرح‌های احیا، عدم برگزاری کارگاه‌های آموزشی بوده است. از طرفی دریائی و همکاران (۱۳۹۳) نیز با بررسی تأثیر میزان دسترسی به کلاس‌های آموزشی، مجلات، روزنامه‌ها و غیره به این نتیجه رسیدند که این

## تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان

عوامل رابطه مثبت و معنی‌داری با نگرش کشاورزان و جامعه مورد مطالعه دارد که می‌توان با تغییر در نگرش، تغییر در رفتار را نیز مشاهده کرد. تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی ( $t=0/512$ ,  $P=0/0001$ ) متغیر دیگری است که افزایش آن، افزایش مشارکت را به همراه دارد. تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب ( $t=0/566$ ,  $P=0/0001$ ) به دلیل رابطه مثبت و معناداری که با مشارکت دارد، نشان دهنده این است که با افزایش همکاری و هم‌فکری جامعه محلی در مورد وضعیت تالاب، مشارکت آن‌ها را در فعالیت‌های مرتبط با احیای تالاب افزایش می‌دهد. جایگاه زنان در جوامع محلی ( $t=0/566$ ,  $P=0/0001$ ) از جمله مواردی است که با افزایش و ارتقاء آن، مشارکت نیز افزایش می‌یابد. متغیر دیگری که با مشارکت رابطه مثبت و معناداری دارد، ایجاد روحیه مشارکت بین عموم مردم ( $t=0/440$ ,  $P=0/0001$ ) است. متغیرهای ارتباط با کارشناسان اداره ذی‌ربط ( $t=0/333$ ,  $P=0/0001$ )، استفاده از فضای مجازی و پیام کوتاه ( $t=0/275$ ,  $P=0/0001$ ) رابطه مثبت و معناداری با مشارکت دارند. به عبارتی با افزایش ارتباط و مراد، مشارکت نیز افزایش پیدا می‌کند. آگاهی از فواید مشارکت در مسائل مرتبط با تالاب ( $t=0/374$ ,  $P=0/0001$ )، رابطه مثبت و معناداری با مشارکت دارد که به معنای این است که با افزایش آگاهی، مشارکت نیز افزایش پیدا می‌کند. در تحقیق راحمی اردکانی و همکاران (۱۳۹۷) عدم آگاهی از مزایای طرح‌های احیا یکی از عوامل اصلی عدم مشارکت جوامع محلی شناخته شده است. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد ( $t=0/596$ ,  $P=0/0001$ ) به‌عنوان آخرین متغیر مستقلی است که با مشارکت رابطه مثبت و معناداری دارد و این نشان‌دهنده این است که با پررنگ شدن نقش سازمان مردم‌نهاد در منطقه، مشارکت نیز افزایش می‌یابد. این نتیجه نیز در تحقیق عبدالهرش و همکاران (۱۳۹۱) نیز قابل مشاهده بوده و میزان مشارکت جامعه محلی با میزان فعالیت نهادهای مردمی همبستگی مثبت و معناداری دارد. رابطه نگرش جامعه محلی به احیای تالاب ( $t=0/197$ ,  $P=0/002$ ) با مشارکت نیز مثبت و معنادار است و نشان از این دارد که با افزایش نگرش جامعه محلی، مشارکت هم بیشتر می‌شود. تمایل جامعه محلی به احیای تالاب ( $t=0/579$ ,  $P=0/0001$ ) با مشارکت رابطه مثبت و معنادار دارد و بدان معناست که با افزایش تمایل جامعه محلی به احیای تالاب میزان مشارکت نیز افزایش می‌یابد.

جدول ۳- نتایج همبستگی پیرسون برای تعیین همبستگی متغیرهای پژوهش با مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان

متغیر	مقدار ضریب همبستگی	سطح معناداری
سن	۰/۱۰۷	۰/۰۹۲
تحصیلات	-۰/۱۶۶	۰/۰۰۹*
سطح زیر کشت	-۰/۳۰۹	۰/۰۰۰۱*
احساس تعلق به طبیعت	۰/۲۹۱	۰/۰۰۰۱*
اجرای برنامه برای ترغیب عمومی	۰/۱۶۷	۰/۰۰۸*
تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی	۰/۵۱۲	۰/۰۰۰۱*
حق استفاده از تالاب	-۰/۰۳۶	۰/۵۶
تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب	۰/۵۶۶	۰/۰۰۰۱*
جایگاه زنان در جوامع محلی	۰/۵۶۶	۰/۰۰۰۱*
روحیه مشارکت جامعه محلی	۰/۴۴۰	۰/۰۰۰۱*
ارتباط با کارشناسان اداره ذی‌ربط	۰/۳۳۳	۰/۰۰۰۱*
استفاده از فضای مجازی و پیام کوتاه	۰/۲۷۵	۰/۰۰۰۱*
آگاهی از فواید مشارکت در مسائل مرتبط با تالاب	۰/۳۷۴	۰/۰۰۰۱*
بهره‌مندی از پروژه‌های درآمدزای ناشی از مشارکت	-۰/۰۲۹	۰/۶۴۳
توسعه توریسم و ایجاد فرصت شغلی	۰/۰۴۸	۰/۴۴۶
تأثیر کاهش سطح زیرکشت محصولات آب‌بر	۰/۰۷۱	۰/۲۶۳
نقش سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۵۹۶	۰/۰۰۰۱*
نگرش جامعه محلی به احیای تالاب	۰/۱۹۷	۰/۰۰۲*
تمایل جامعه محلی به احیای تالاب	۰/۵۷۹	۰/۰۰۰۱*

واکاوی علی سازه‌های مؤثر بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب: نتایج تحلیل مسیر مدل علی سازه‌های مؤثر بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب در نگاره ۲ ارائه شده است. در این تحلیل، اثرات مجموعه‌ای از متغیرها بر یکدیگر با استفاده از نرم‌افزار AMOS محاسبه و ضرایب استاندارد مسیر به دست آمد. این ضرایب با مقدار کمتر از ۰/۱۰ نشان‌دهنده اثرات ضعیف، مقادیر بین ۰/۱۰ تا ۰/۳۰ نشان‌دهنده اثرات متوسط و مقادیر ۰/۵۰ و بالاتر مبین اثرات قوی دو متغیر بر یکدیگر است (غلامی گندمانی و فاطمی، ۱۴۰۰). با توجه به شاخص برازش مدل در جدول ۴، مدل ساختاری طراحی شده برای واکاوی تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب قابل قبول است.

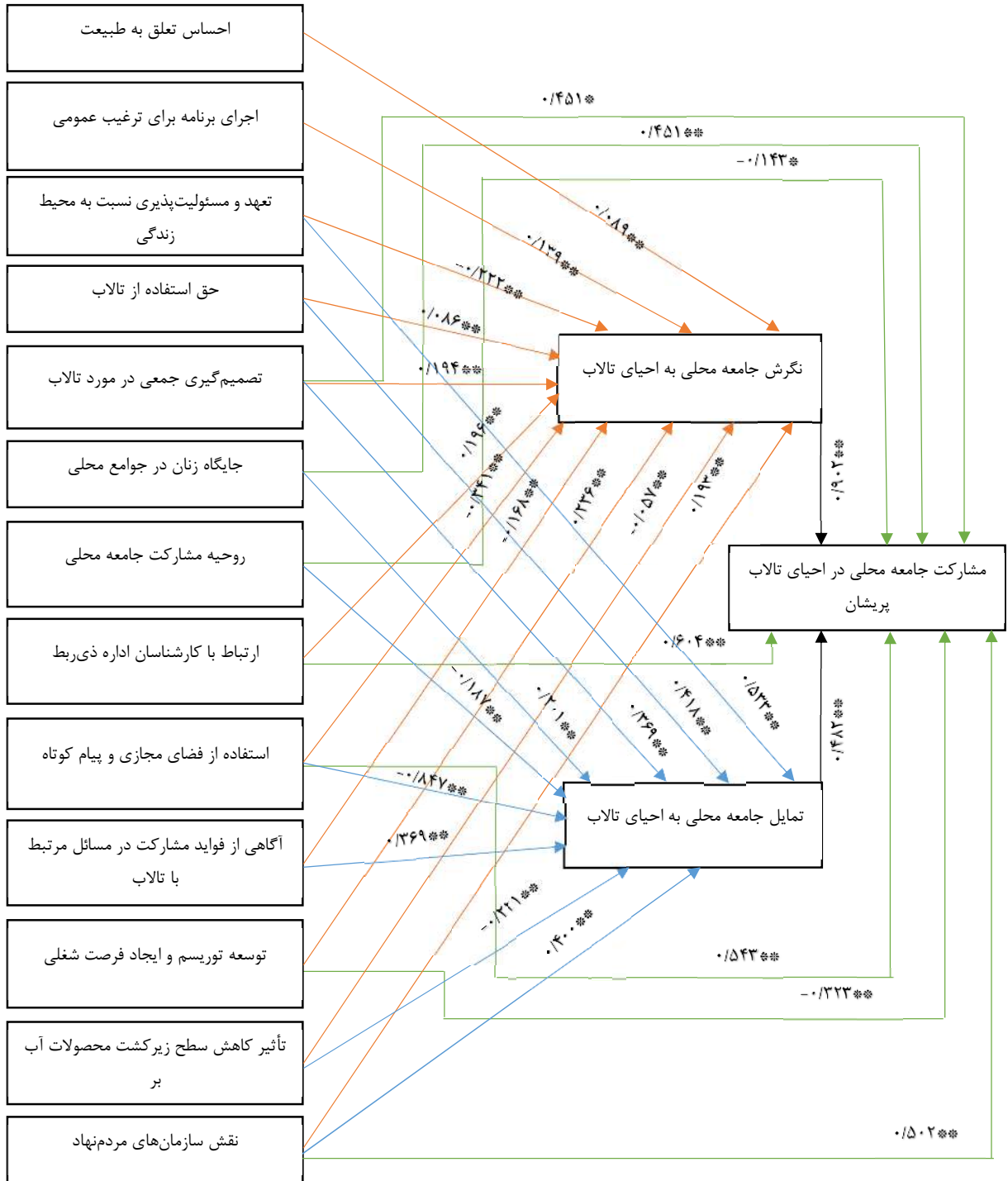
**اثرات علی متغیرها بر نگرش جامعه محلی به احیای تالاب:** با توجه به جدول ۵ اثرات علی متغیرها بر نگرش به احیای تالاب مورد بررسی قرار گرفته است. این جدول نشان می‌دهد که احساس تعلق به طبیعت اثر مستقیم، مثبت و معناداری بر نگرش جامعه محلی به احیای تالاب دارد ( $\beta = 0/089$ ,  $P = 0/01$ ). این بدان معناست که احساس تعلق بیشتر به طبیعت در بین پاسخگویان، سبب نگرش بهتر به احیای تالاب می‌شود. متغیر اجرای برنامه برای ترغیب عمومی نیز دارای اثر مستقیم، مثبت و معنادار بر نگرش جامعه محلی به احیای تالاب است ( $\beta = 0/139$ ,  $P = 0/0001$ ) که نشان دهنده این است که با افزایش برگزاری برنامه‌هایی که آگاه‌سازی جامعه محلی در مورد تالاب را به همراه داشته باشد، می‌توان نگرش مثبت و بهتری را در آن‌ها به وجود آورد. حق استفاده از تالاب متغیر بعدی است که اثر مستقیم، مثبت و معنادار ( $\beta = 0/086$ ,  $P = 0/036$ ) بر نگرش به احیای تالاب دارد. متغیر تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب اثر مستقیم، مثبت و معنادار ( $\beta = 0/194$ ,  $P = 0/003$ ) بر نگرش به احیای تالاب دارد. افزایش حضور ذی‌نفعان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به تالاب، سبب افزایش نگرش آن‌ها می‌شود. ارتباط با کارشناسان اداره ذی‌ربط نیز دارای اثر مستقیم، مثبت و معنادار ( $\beta = 0/196$ ,  $P = 0/0001$ ) بر نگرش به احیای تالاب است. این بدان معناست که ارتباط بیشتر جامعه مورد مطالعه با کارشناسان ادارات ذی‌ربط سبب بهبود نگرش آن‌ها به احیای تالاب می‌شود. متغیرهای توسعه توریسم و ایجاد فرصت شغلی ( $\beta = 0/236$ ,  $P = 0/0001$ ) و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد ( $\beta = 0/193$ ,  $P = 0/0001$ ) نیز اثر مستقیم، مثبت و معناداری بر نگرش جامعه محلی به احیای تالاب دارند. نتایج نشان دهنده اثرات علی مستقیم، منفی و معنادار متغیر تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی ( $\beta = -0/222$ ,  $P = 0/0001$ ) بر نگرش جامعه محلی به احیای تالاب است. به عبارتی هرچند جامعه محلی در برابر تالاب و منطقه زندگی خود احساس تعهد و مسئولیت‌پذیری بالایی دارند ولی به دلایل مختلف از جمله اقتصادی، نگرش آن‌ها به احیای تالاب در جهت مثبت قرار نگرفته است. استفاده از فضای مجازی و پیام کوتاه ( $\beta = -0/341$ ,  $P = 0/0001$ ) متغیر دیگری است که اثرات علی مستقیم، منفی و معنادار بر نگرش به احیای تالاب دارد. تا پیش‌ازین فرض بر این بود که فضای مجازی کمک شایانی به آموزش و آگاه‌سازی مردم منطقه در راستای احیای تالاب خواهد داشت ولی نتایج به‌دست‌آمده با پیش‌فرض اولیه متفاوت بود که با تحقیق صالحی و امام قلی (۱۳۹۱) نیز هم‌خوانی داشته و آن‌ها نیز در تحقیق خود به این نتیجه دست پیدا کردند که شبکه‌های اجتماعی کمترین رابطه را با رفتارهای زیست‌محیطی دارند. اثرات علی مستقیم، منفی و معنادار آگاهی از فواید مشارکت در مسائل مرتبط با تالاب ( $\beta = -0/168$ ,  $P = 0/0001$ ) نیز نشان از عدم نگرش جامعه محلی به میزان همکاری و مشارکت ایشان در احیای تالاب را دارد. تأثیر کاهش سطح زیرکشت محصولات آبر ( $\beta = -0/057$ ,  $P = 0/006$ ) نیز دارای اثرات علی مستقیم، منفی و معنادار بر نگرش به احیای تالاب است.

جدول ۴- شاخص‌های برازش مدل ساختاری تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب

شاخص	اندازه مطلوب	مقدار گزارش شده
مربع کای/درجه آزادی ( $df/x^2$ )	$\leq 5$	۱/۲۰۴
شاخص نکویی-بrazندگی (GFI)	$0/95 \leq$	۰/۹۷۹
شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)	$0/95 \leq$	۰/۹۹۶
شاخص نرم شده برازندگی (NFI)	$0/95 \leq$	۰/۹۷۸
ریشه دوم برآورد واریانس خطاب تقریب (RMSEA)	$\leq 0/06$	۰/۰۲۹

در نگاره ۲، \* معنی‌داری در سطح ۰/۰۵ و \*\* معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ را نشان می‌دهند.

تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان



نگاره ۲- الگوی تحلیل مسیر تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان

جدول ۵- میزان اثرات استاندارد شده مستقیم و کلی متغیرهای مستقل بر نگرش جامعه محلی به احیای تالاب پریشان

اثر کل	اثر مستقیم	متغیرها
۰/۰۸۹	۰/۰۸۹	احساس تعلق به طبیعت
۰/۱۳۹	۰/۱۳۹	اجرای برنامه برای ترغیب عمومی
-۰/۲۲۲	-۰/۲۲۲	تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی
۰/۰۸۶	۰/۰۸۶	حق استفاده از تالاب
۰/۱۹۴	۰/۱۹۴	تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب
۰/۱۹۶	۰/۱۹۶	ارتباط با کارشناسان اداره ذی‌ربط
-۰/۳۴۱	-۰/۳۴۱	استفاده از فضای مجازی و پیام کوتاه
-۰/۱۶۸	-۰/۱۶۸	آگاهی از فواید مشارکت در مسائل مرتبط با تالاب
۰/۲۳۶	۰/۲۳۶	توسعه توریسم و ایجاد فرصت شغلی
-۰/۰۵۷	-۰/۰۵۷	تأثیر کاهش سطح زیرکشت محصولات آب‌بر
۰/۱۹۳	۰/۱۹۳	نقش سازمان‌های مردم‌نهاد

**اثرات علی متغیرها بر تمایل جامعه محلی به احیای تالاب:** جدول ۶ اثرات مستقیم متغیرهای اثرگذار بر تمایل جامعه محلی را نشان می‌دهد. نتایج حاصل بیانگر اثرات علی مستقیم، مثبت و معنادار متغیر تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی ( $\beta = ۰/۵۳۳$ ،  $P = ۰/۰۰۰۱$ ) بر تمایل جامعه محلی به احیای تالاب است. در حالی که طبق جدول ۵ تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی دارای اثر منفی بر نگرش به احیای تالاب بود ولی اثر مثبت این متغیر بر تمایل نشان از این دارد که با وجود تمایل بالای جامعه مورد مطالعه، نگرش مطلوبی در این مورد وجود ندارد به‌طوری که برای تغییر نگرش نیاز به افزایش دانش و آگاهی است. در واقع پتانسیل تغییر در منطقه وجود دارد ولی کمبود دانش و آگاهی مانعی بر محقق شدن این امر است و با افزایش سطح اطلاعات و دانش مردم منطقه نسبت به محل زندگی خود می‌توان تغییر در نگرش آنان را نیز شاهد بود. از طرف دیگر نیز اثر معیشت و اقتصاد خانوار بر روی این مؤلفه کاملاً مشهود است چراکه هرچند جامعه محلی تمایل به تعهد و مسئولیت‌پذیری بالایی نسبت به محیط‌زیست خود دارند؛ ولی در عین حال این حس تعهد و مسئولیت‌پذیری در قبال منابع خصوصاً آبی دارای کمترین میزان است. لازم به ذکر است که پاسخگویان به اهمیت و ارزش آب و تالاب کاملاً واقف بودند، ولی در صحبت‌های آنان از واژه اجبار به وفور استفاده می‌شد که در هنگام پاسخگویی به پرسشنامه با تأکید بیان می‌داشتند: باید احساس تعهد بیشتری به منابع آبی داشته باشیم ولی به خاطر گذران زندگی مجبور به استفاده از آن هستیم. حق استفاده از تالاب به‌عنوان یکی از عوامل مدیریتی است که اثرات علی مستقیم، مثبت و معنادار بر تمایل جامعه محلی دارد ( $\beta = ۰/۴۱۸$ ،  $P = ۰/۰۰۰۱$ ). متغیر تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب به تمایل نیز دارای اثر مستقیم است که نشان دهنده تأثیر مشارکت و همکاری در تصمیم‌گیری‌ها است ( $\beta = ۰/۳۶۹$ ،  $P = ۰/۰۰۰۱$ ). جایگاه زنان در جوامع محلی نیز دارای تأثیرات مستقیم، مثبت و معنادار بر تمایل جامعه محلی است ( $\beta = ۰/۲۰۱$ ،  $P = ۰/۰۰۳$ ). آگاهی از فواید مشارکت در مسائل مرتبط با تالاب متغیر دیگری است که دارای اثر مستقیم، مثبت و معنادار بوده است ( $\beta = ۰/۳۶۹$ ،  $P = ۰/۰۰۰۱$ ). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد نیز دارای اثر مستقیم، مثبت و معنادار بر تمایل به احیای تالاب است ( $\beta = ۰/۴۰۰$ ،  $P = ۰/۰۰۰۱$ ). متغیر روحیه مشارکت جامعه محلی یکی از متغیرهای عوامل فرهنگی است که دارای اثرات مستقیم، منفی و معنادار بر تمایل به احیای تالاب است ( $\beta = -۰/۱۸۷$ ،  $P = ۰/۰۰۰۱$ ). استفاده از فضای مجازی و پیام کوتاه دارای اثرات مستقیم، منفی و معنادار بر تمایل به احیای تالاب است ( $\beta = -۰/۸۴۷$ ،  $P = ۰/۰۰۰۱$ )؛ همان‌گونه که اثر این متغیر بر نگرش نیز منفی بود. با وجود دسترسی مردم منطقه به اینترنت و استفاده از فضای مجازی ولی نگرش و تمایل جامعه محلی به احیای تالاب در مورد این متغیر منفی بوده است که می‌تواند به دلایل مختلف از جمله کارآمد نبودن آموزش‌های مجازی یا مناسب نبودن مطالب انتخابی برای انتشار در فضای مجازی و غیره باشد. کاهش سطح زیرکشت محصولات آب‌بر نیز دارای اثرات مستقیم، منفی و معنادار بر تمایل به احیای تالاب است ( $\beta = -۰/۲۲۱$ ،  $P = ۰/۰۰۰۱$ ).

جدول ۶- میزان اثرات استاندارد شده مستقیم و کلی متغیرهای مستقل بر تمایل جامعه محلی به احیای تالاب

متغیرها	اثر مستقیم	اثر کل
تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی	۰/۵۳۳	۰/۵۳۳
حق استفاده از تالاب	۰/۴۱۸	۰/۴۱۸
تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب	۰/۳۶۹	۰/۳۶۹
جایگاه زنان در جوامع محلی	۰/۲۰۱	۰/۲۰۱
روحیه مشارکت بین عموم مردم	-۰/۱۸۷	-۰/۱۸۷
استفاده از فضای مجازی و سرویس پیام کوتاه	-۰/۸۴۷	-۰/۸۴۷
آگاهی از فواید مشارکت در مسائل مرتبط با تالاب	۰/۳۶۹	۰/۳۶۹
تأثیر کاهش سطح زیرکشت محصولات آب‌بر	-۰/۲۲۱	-۰/۲۲۱
نقش سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۴۰۰	۰/۴۰۰

اثرات علی متغیرهای پژوهش بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب: جدول ۷ اثرات مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای اثرگذار بر مشارکت جامعه محلی را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول متغیر تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب دارای اثر مستقیم بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب است ( $\beta = 0/451, P = 0/043$ ). این متغیر علاوه بر اثراتی که بر متغیرهای میانجی نگرش و تمایل جامعه محلی به احیای تالاب دارد، به صورت مستقیم نیز بر متغیر وابسته اثرگذار بوده که این نشان از اهمیت این متغیر است. جایگاه زنان دارای اثر مستقیم و بالایی بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب است ( $\beta = 0/451, P = 0/001$ ). در واقع با افزایش حضور زنان در جامعه و ارتقاء جایگاه آن‌ها، افزایش مشارکت در احیای تالاب نیز مشهود می‌باشد. ارتباط با کارشناسان اداره ذی‌ربط ( $\beta = 0/604, P = 0/001$ ) و استفاده از فضای مجازی و پیام کوتاه ( $\beta = 0/543, P = 0/001$ ) دو متغیر از عوامل اطلاعاتی هستند که بر متغیر وابسته تأثیر مستقیم دارند. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد متغیر مستقل دیگری است که دارای اثرات مستقیم، مثبت و معنادار بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب است ( $\beta = 0/502, P = 0/001$ ) و این بدان معناست که پررنگ شدن نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در بین جامعه مورد مطالعه، سبب افزایش مشارکت در احیای تالاب می‌شود. متغیر ایجاد روحیه مشارکت بین عموم مردم دارای اثرات مستقیم، منفی و معنادار بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب است ( $\beta = -0/143, P = 0/050$ ). این نتیجه نشان دهنده این است که صرفاً با برگزاری یک سری برنامه‌های عمومی نمی‌توان روحیه مشارکت را در میان جامعه مورد مطالعه ایجاد و حتی تقویت کرد. توسعه توریسم و ایجاد فرصت شغلی متغیر مستقل دیگری است که دارای اثرات مستقیم، منفی و معنادار بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب است ( $\beta = -0/323, P = 0/001$ ). عدم شناخت جامعه مورد مطالعه، خصوصاً قشر جوان از مزایای حضور توریست در منطقه یکی از اصلی‌ترین دلایل این نتیجه است که در زمان تکمیل پرسشنامه کاملاً مشهود بود. نگرش جامعه محلی به احیای تالاب به‌عنوان متغیر میانجی دارای اثرات مستقیم، مثبت و معنادار بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب است ( $\beta = 0/902, P = 0/001$ ) و این بدان معناست که افزایش نگرش پاسخگویان به احیای تالاب، افزایش مشارکت آن‌ها را به دنبال دارد. چراکه تغییر نگرش که با افزایش دانش و آگاهی شروع می‌شود می‌تواند به تغییر در رفتار منجر شود و در اینجا تغییر رفتار افزایش مشارکت در راستای احیای تالاب است. تمایل جامعه محلی به احیای تالاب نیز متغیر میانجی بعدی است که دارای اثرات مستقیم، مثبت و معنادار بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب است ( $\beta = 0/482, P = 0/001$ ). این متغیر نیز اثری همانند متغیر میانجی دیگر دارد به این صورت که هر اندازه تمایل به احیای تالاب، در پاسخگویان افزایش یابد میزان مشارکت آن‌ها در احیای تالاب نیز بیشتر می‌شود. از عوامل انگیزشی، احساس تعلق به طبیعت ( $\beta = 0/080$ ) و اجرای برنامه برای ترغیب عمومی ( $\beta = 0/125$ ) و همچنین ارتباط با کارشناسان اداره ذی‌ربط ( $\beta = 0/176$ ) نیز به‌عنوان متغیرهای عوامل اطلاعاتی، از طریق متغیر نگرش جامعه محلی به احیای تالاب دارای اثرات غیرمستقیم، مثبت و معنادار بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب هستند. جایگاه زنان از طریق متغیر تمایل جامعه محلی به احیای تالاب دارای اثر غیرمستقیم، مثبت و معنادار بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب است ( $\beta = 0/096$ ). متغیرهای تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط

زندگی ( $\beta = ۰/۰۵۶$ )، حق استفاده از تالاب ( $\beta = ۰/۲۷۹$ )، تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب ( $\beta = ۰/۳۵۲$ )، آگاهی از فواید مشارکت در مسائل مرتبط با تالاب ( $\beta = ۰/۰۲۶$ )، توسعه توریسم و ایجاد فرصت شغلی ( $\beta = ۰/۲۱۲$ ) و نقش سازمان‌های مردم‌نهاد ( $\beta = ۰/۳۶۶$ ) از طریق متغیرهای میانجی نگرش جامعه محلی و تمایل جامعه محلی به احیای تالاب بر تعیین‌کننده‌های مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب اثر غیرمستقیم، مثبت و معنادار دارند.

جدول ۷- میزان اثرات استاندارد شده مستقیم، غیرمستقیم و کلی متغیرهای مستقل بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
احساس تعلق به طبیعت	-	۰/۰۸۰	۰/۰۸۰
اجرای برنامه برای ترغیب عمومی	-	۰/۱۲۵	۰/۱۲۵
تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی	-	۰/۰۵۶	۰/۰۵۶
حق استفاده از تالاب	-	۰/۲۷۹	۰/۲۷۹
تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب	۰/۴۵۱	۰/۳۵۲	۰/۸۰۳
جایگاه زنان در جوامع محلی	۰/۴۵۱	۰/۰۹۶	۰/۵۴۷
روحیه مشارکت جامعه محلی	-۰/۱۴۳	-۰/۰۹۰	-۰/۲۳۳
ارتباط با کارشناسان اداره ذی‌ربط	۰/۶۰۴	۰/۱۷۶	۰/۷۸۰
استفاده از فضای مجازی و سرویس پیام کوتاه	۰/۵۴۳	-۰/۷۱۵	-۰/۱۷۲
آگاهی از فواید مشارکت در مسائل مرتبط با تالاب	-	۰/۰۲۶	۰/۰۲۶
توسعه توریسم و ایجاد فرصت شغلی	-۰/۳۲۳	۰/۲۱۲	-۰/۱۱۱
تأثیر کاهش سطح زیرکشت محصولات آب‌بر	-	-۰/۱۵۷	-۰/۱۵۷
نقش سازمان‌های مردم‌نهاد	۰/۵۰۲	۰/۳۶۶	۰/۸۶۸
نگرش جامعه محلی به احیای تالاب	۰/۹۰۲	-	۰/۹۰۲
تمایل جامعه محلی به احیای تالاب	۰/۴۸۲	-	۰/۴۸۲

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

بر طبق نتایج، مشارکت افراد با تحصیلات کمتر، بیشتر بوده است و همچنین افرادی که دارای سطح کشت کمتری هستند، نیز علاقه بیشتری به مشارکت از خود نشان دادند. از طرفی بالا بودن احساس تعلق به طبیعت انگیزه مشارکت را در افراد افزایش می‌دهد. همچنین به‌صورت غیرمستقیم و از طریق بالا بردن نگرش جامعه محلی به احیای تالاب، بر مشارکت جامعه محلی اثرگذار است. ولی بر تمایل و مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان اثر مستقیم ندارد. برای آگاه‌سازی و تشویق جامعه محلی برای مشارکت، اجرای یک سری برنامه‌ها مفید و اثرگذار خواهد بود. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و عملی و کلاس از طرف ادارات دولتی و سازمان‌های مردم‌نهاد در راستای آگاه‌سازی عمومی برای مشارکت در احیای تالاب می‌تواند کمک شایانی در این زمینه داشته باشد. از طرفی اجرای برنامه برای ترغیب عمومی با افزایش نگرش نسبت به احیای تالاب، مشارکت جامعه محلی را افزایش می‌دهد. در حالی که این مؤلفه نیز بر تمایل جامعه محلی به احیای تالاب و مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان اثر مستقیم ندارد. افزایش تعهد و مسئولیت‌پذیری نسبت به محیط زندگی نیز مشارکت بیشتری در راستای احیای تالاب را به دنبال دارد. اثر این مؤلفه بر نگرش منفی است ولی بر تمایل دارای اثر مثبت و بالایی است و نشان از این دارد که با وجود تمایل بالای جامعه مورد مطالعه، نگرش مطلوبی در این مورد وجود ندارد به‌طوری که برای تغییر نگرش نیاز به افزایش دانش و آگاهی است. همچنین به‌صورت غیرمستقیم بر مشارکت جامعه محلی اثرگذار است. تصمیم‌گیری جمعی در مورد تالاب تأثیر مثبت بر مشارکت جامعه محلی دارد. این متغیر هم به‌صورت غیرمستقیم و از طریق اثرگذاری بر نگرش و تمایل جامعه محلی بر احیای تالاب پریشان و هم به‌صورت مستقیم بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب، اثر می‌گذارد که در هر حالت دارای ضریب اثرگذاری بالایی است. اهمیت دادن به جایگاه زنان، میزان مشارکت را در بین جامعه محلی بالا می‌برد. جایگاه زنان در جوامع محلی با اثر مستقیم و بالا بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان و با اثر بر تمایل جامعه محلی به احیای تالاب پریشان به‌صورت غیرمستقیم مشارکت را افزایش می‌دهد. ایجاد و تقویت روحیه

برای بهبود و بالا بردن کیفیت و مشارکت در بین هر دسته و گروهی قابل‌انکار نیست. افزایش ارتباط با کارشناسان ادارات مربوطه نیز سبب بهبود مشارکت در احیای تالاب بوده و از طریق اثرگذاری بر نگرش جامعه محلی به احیای تالاب و هم از طریق مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب نقش مهمی را ایفا می‌کند. ارتباط با کارشناسان علاوه بر افزایش شناخت کارشناسان از منطقه، به نمونه مورد مطالعه نیز کمک می‌کند تا با محصولات و دستگاه‌های به‌روز و جدید آشنا شوند. استفاده از فضای مجازی و سرویس پیام کوتاه نیز می‌تواند به افزایش آگاهی جامعه محلی کمک کند. هرچند که این مؤلفه به‌صورت غیرمستقیم و از طریق دو متغیر میانجی دارای اثر منفی بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب است ولی به‌صورت مستقیم دارای تأثیر مثبتی است. با افزایش آگاهی عموم از فواید مشارکت آن‌ها در احیای تالاب می‌توان انتظار افزایش مشارکت را داشت و اثر آن را مشاهده کرد. اثر منفی این مؤلفه بر نگرش جامعه محلی به احیای تالاب پریشان و اثر مثبت آن بر تمایل جامعه محلی به احیای تالاب پریشان نشان دهنده نبود یا کمبود آگاهی در این زمینه است.

توسعه توریسم و ایجاد فرصت شغلی به‌صورت غیرمستقیم بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان اثر دارد و از آنجا که بر نگرش جامعه محلی به احیای تالاب دارای اثر مثبت و بر تمایل جامعه محلی به احیای تالاب اثر منفی دارد، می‌توان به این نتیجه رسید که هرچند نگرش این کار در بین جامعه محلی وجود دارد ولی به دلیل شرایط محیطی و نبود شرایط پایه تمایلی برای انجام آن وجود ندارد. تأثیر کاهش سطح زیر کشت محصولات آبربر چه از طریق نگرش جامعه محلی به احیای تالاب پریشان و چه از طریق تمایل جامعه محلی به احیای تالاب پریشان و ابستگی معیشت و اقتصاد خانوارها بر کشاورزی است که آنان را نسبت به این مؤلفه بیگانه ساخته است. با پررنگ شدن نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در میان جوامع محلی اطراف تالاب می‌توان شاهد افزایش مشارکت در راستای احیای تالاب بود. نقش این گروه برای بهبود و جلب مشارکت جامعه محلی در راستای احیای تالاب کاملاً واضح و مشخص است و این را می‌توان از تأثیر غیرمستقیم نقش آن‌ها و همچنین اثر مستقیم آن را بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب مشاهده کرد. نگرش جامعه محلی به احیای تالاب جزو اساسی‌ترین مواردی است که تأثیر مثبتی بر مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب دارد. افزایش تمایل جامعه محلی به احیای تالاب نیز مشارکت در احیای تالاب را افزایش می‌دهد.

مشارکت جامعه محلی در احیای تالاب پریشان هدف مهمی است که در پی وقوع آن نتایج مفیدی به دست خواهد آمد که نه‌تنها برای یک بازه زمانی کوتاه که در بلندمدت اثر مثبت خود را بر منطقه و محیط‌زیست آن خواهد گذاشت. از آنجا که در وضعیت فعلی، عوامل اقتصادی در زندگی مردم نقش پررنگی را ایفا می‌کند، می‌توان با تکیه بر عوامل اقتصادی میزان مشارکت را افزایش داد بدین‌صورت که هم در اجرای پروژه‌های محیط‌زیستی مرتبط با تالاب که از طرف ادارات مختلف انجام می‌شود، از جامعه محلی کمک گرفته شود و هم در راستای برنامه‌ریزی برای ترغیب جامعه محلی به تغییر کشت و یا تغییر معیشت، نیازهای اقتصادی آن‌ها نیز در نظر گرفته شود. آموزش و آگاهی‌افزایی در بالا بردن میزان مشارکت کمک‌کننده است و اگر مروجان و تسهیلگران برای نحوه برگزاری آموزش‌ها و حتی سرفصل‌های آموزشی از همکاری جامعه محلی استفاده کنند، نتایج بهتری خواهد داشت. استفاده از وسایل ارتباطی مانند تلفن همراه، پخش تراکت یا حتی روزنامه محلی در این مورد کمک‌کننده بوده و اطلاع‌رسانی بهتر صورت می‌گیرد.

سازمان‌های مردم‌نهاد در صورتی که به‌درستی در جامعه ظاهر شوند، می‌توانند راه‌گشا و کمک‌کننده باشند. آن‌ها حلقه گم شده میان ملت و دولت هستند که می‌توانند این پیوند را به نحوی برقرار کنند که اعتماد میان مردم و دولت و بلعکس نیز افزایش یابد. نتایج حاصل از این تحقیق نیز از این مسئله مستثنی نبوده و نقش مهم سازمان‌های مردم‌نهاد برای افزایش مشارکت جامعه محلی در راستای احیای تالاب را به‌خوبی نشان می‌دهد. مردم به سازمان‌های مردم‌نهاد زودتر از دولت اعتماد کرده و زودتر با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند و همین جلب اعتماد سبب افزایش مشارکت می‌شود. از طرف دیگر اگر با هماهنگی ادارات دولتی بعضی از آموزش‌ها از طرف سازمان‌های مردم‌نهاد به مردم داده شود، به دلیل نوع ارتباطی که با جامعه محلی برقرار شده، اثرگذاری بهتری دارد.

اهمیت مشارکت زنان در حفاظت از محیط‌زیست بررسی پوشیده نیست؛ در این پژوهش نیز این مسئله کاملاً مشخص شد. توجه به فعالیت زنان با برگزاری کلاس‌های آموزشی برای بانوان هر روستا و البته متناسب با فرهنگ هر روستا، امکان‌پذیر

است و انجام آن کمک شایانی در ارتقا جایگاه زنان در جوامع محلی و در پی آن افزایش مشارکت را به همراه دارد. از طرفی نیز از آنجا که سه گروه دولتی، غیردولتی و مردمی سه رکن اصلی در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری‌های محیط‌زیستی هستند لذا افزایش آموزش و برگزاری کلاس، کارگاه عملی، مسابقه و غیره که مطابق با نیازهای جامعه مورد مطالعه و توسط ادارات ذی‌ربط و سازمان‌های مردم‌نهاد با هم‌فکری و همکاری خود جامعه محلی برنامه‌ریزی شده باشد، از عوامل مهم در افزایش مشارکت به حساب می‌آیند. افزایش ارتباط و مراودات میان کارشناسان ادارات مرتبط با تالاب مانند امور منابع آب، حفاظت محیط‌زیست، مدیریت جهاد کشاورزی و منابع طبیعی و جامعه محلی اطراف تالاب پریشان علاوه بر آگاهی و به‌روز بودن دو طرف از وقایع و اتفاقات رخ داده و همچنین اطلاع از روش‌ها و شیوه‌های جدید موجود سبب افزایش اعتماد میان طرفین گشته که این خود برای پیاده‌سازی طرح‌های مرتبط با احیای تالاب بسیار کمک‌کننده بوده و مشارکت جامعه محلی بهتر و بیشتر جلب می‌شود. در این خصوص کارشناس باید از روش‌های مشارکتی آگاه بوده و در هر ارتباط با جامعه محلی به همکاری گرفتن از آن‌ها اقدام کند تا بدین‌وسیله اعتمادسازی لازم انجام می‌شود و با جلب اعتماد مردم نسبت به کارشناس هر اداره، میزان مشارکت نیز افزایش پیدا می‌کند. توصیه می‌گردد گروه‌هایی مجازی توسط ادارات مرتبط یا سازمان‌های مردم‌نهاد تشکیل گردیده و مطالبی در خصوص وضعیت فعلی تالاب و خطراتی که در آینده نه‌چندان دور منطقه و مردم را تهدید می‌کند، در کنار مطالب آموزشی در این گروه‌ها بیان شود تا ضمن آگاهی همگانی، بتوان از طریق ارتباط و گفتگو در همین گروه‌ها به راه‌حلهایی جمعی نیز رسید. افزایش آگاهی مردم منطقه از رونق اقتصادی ایجاد شده توسط صنعت توریسم و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید از این طریق، خصوصاً در بیش از نیمی از ماه‌های سال که می‌تواند معیشت جایگزین برای آن‌ها باشد، نیز در راستای افزایش مشارکت جامعه محلی اثرگذار خواهد بود. آموزش و آگاهی‌افزایی جامعه محلی در خصوص کشت‌های سازگار با منطقه، از جمله مواردی است که سبب تغییر نگرش جامعه محلی و افزایش سطح زیر کشت این محصولات خواهد شد. از آنجا که سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه محیط‌زیست گروه‌های مهم برای جلب مشارکت در حفظ محیط‌زیست هستند، پررنگ شدن نقش آن‌ها در جامعه خصوصاً جوامع محلی اطراف تالاب پریشان سبب ایجاد ارتباطات جدید شده و به دلیل اعتمادی که مردم به سازمان‌های مردم‌نهاد دارند، می‌توان به آموزش‌ها سرعت بخشید و مشارکت مردم را بیشتر و بهتر جلب کرد. لذا ایجاد و گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد به‌خصوص سازمان‌های مردم‌نهاد محلی که از دل جامعه محلی بیرون آمده باشند در راستای آگاهی‌افزایی و جلب مشارکت و همکاری مردم بومی منطقه بسیار اثرگذارتر از سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های غیربومی خواهد بود. این نکته را نیز باید در نظر گرفت که با بیشتر شدن فعالیت رسانه‌ها در ارتباط با انتشار اخبار مربوط به تالاب، چه در سطح محلی و چه در سطح ملی، سبب جلب نگاه اقشار مختلف به تالاب می‌شود. همچنین با تدوین قوانین و مقرراتی در راستای حمایت از حقوق ذی‌نفعان و جامعه محلی اطراف تالاب، می‌توان علاوه بر کمک به احیای تالاب با وضع قوانین از این دست اعتماد جامعه محلی را جلب کرد و در آخر نیز پیشنهاد می‌شود که با اعطای وام‌های کم‌بهره از طرف بانک‌های دولتی برای ایجاد و گسترش معیشت‌هایی که بر پایه آب نبوده است اقدامات گسترده‌تری انجام گیرد.

## منابع

- اسکندری دامنه، ح، اسلامیان، ز، اسکندری دامنه، ه، و خسروی، ح. (۱۳۹۴). بررسی دلایل خشک شدن تالاب جازموریان در جنوب شرق ایران با استفاده از رویکرد تحلیل سلسله مراتبی. *کنگره علمی پژوهشی توسعه و ترویج علوم کشاورزی، منابع طبیعی و محیط‌زیست/ایران*، شماره ۲، صص ۱-۷.
- اردو، س، و عوفی، ف. (۱۳۹۳). ارزیابی محیط‌زیستی دریاچه پریشان (استان فارس) بر مبنای مدل تحلیل مدیریتی SWOT. *مجله شیلات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزادشهر*، دوره ۸، شماره ۱، صص ۲۹-۳۶.
- بدری گرگری، ر، عباس زاده، م، نصیری، ف، حسینی اصل، م، و علیزاده اقدم، ف. (۱۳۹۰). بررسی تحلیل عاملی تأییدی و همسانی درونی مقیاس ارتباط و پیوستگی با طبیعت در دانشجویان (مقیاسی در حوزه‌ی جامعه‌شناسی و روانشناسی محیط‌زیست). *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۲، شماره ۴، صص ۱۹-۳۴.
- جاراللهی، ع، و محسنی، م. (۱۳۹۳). *مشارکت اجتماعی در ایران*. تهران: انتشارات یادداشت.

- جمعی از مؤلفین طرح حفاظت از تالاب‌های ایران، ارگان‌های دولتی، سازمان‌های مردم‌نهاد و جوامع محلی حوزه آبریز تالاب پریشان. (۱۳۸۸). *برنامه مدیریت جامع تالاب پریشان*. تهران، ایران: سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- حجازی، ی.، آهنگری، ا.، و هادوی، م. (۱۳۹۳). بررسی عوامل مشارکت در اقدامات حفاظتی سازمان‌های غیردولتی فعال در حوزه تالاب کانی‌برازان مهاباد. *محیط‌شناسی*، دوره ۴۰، شماره ۴، صص ۹۸۹-۹۹۷.  
<https://doi.org/10.22059/jes.2014.53014>
- دادرس، ح. (۱۳۹۱). بررسی اهمیت روستاهای حاشیه تالاب انزلی از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، گردشگری. *فصلنامه علمی- پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*. دوره ۴، شماره ۲، صص ۴۰-۲۱.
- دریائی، ن.، و رضایی مقدم، ک.، و سلمان‌زاده، س. (۱۳۹۳). عوامل مؤثر بر نگرش شالی‌کاران نسبت به کشت پایدار برنج در استان مازندران. *مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی*، دوره ۷، شماره ۱، صص ۳۳-۳۴.  
<https://doi.org/10.30490/rvt.2018.59166>
- راحی اردکانی، ع.ض.، اسماعیل‌پور، ی.، محمدی، ی.، و غلامی، ح. (۱۳۹۷). تحلیل عواملی موانع مشارکت جوامع محلی در طرح‌های احیای زیستی و بیابان‌زدایی طرح ترسیب کربن در منطقه‌ی لپویی، زرقان، استان فارس. *پژوهش‌های آبخیزداری*، دوره ۳۱، شماره ۱۱۹، صص ۴۰-۲۷.  
<https://doi.org/10.22092/wmej.2018.121665.1114>
- رحمانی، ب.، و مجیدی خامنه، ب. (۱۳۸۸). عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط‌زیست شهری با تأکید بر نگرش اکوفمینیستی مطالعه‌ی موردی: مناطق ۶ و ۸ شهرداری شهر تهران. *فصلنامه جغرافیایی آمایش*، دوره ۲، شماره ۷، صص ۳۸-۱۵.
- رضائی، ر.، صفا، ل.، و امین فنک، د. (۱۴۰۱). شناسایی و تحلیل راهبردهای توسعه فعالیت کشاورزی پایدار در استان‌های آذربایجان غربی و آذربایجان شرقی در راستای احیای دریاچه ارومیه. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۸، شماره ۱، صص ۱۹-۱.
- رضائی قوام‌آبادی، م. ح.، و سنایی‌پور، س. (۱۳۹۲). بررسی حقوقی پایبندی ایران به تعهد استفاده معقول از دریاچه ارومیه با تأکید بر کنوانسیون رامسر. *مجله مطالعات-حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۴۰-۱۱۰.
- رنجبر، ب.، نعیمی، ا.، و نهاوندیان، ف. (۱۳۹۸). تحلیل هنجارهای تأثیرگذار بر رفتار مشارکتی کشاورزان در راستای حفاظت از آب حوضه آبخیز تالاب زریوار شهرستان مریوان. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۵، شماره ۲، صص ۱۶-۱.  
<https://doi.org/10.22034/IAEEJ.2020.194549.1443>
- سعیدی، م. ر. (۱۳۹۸). *درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی*. تهران: انتشارات سمت.
- سلیمی ترکمانی، ح. (۱۳۹۰). بررسی مشکل زیست‌محیطی دریاچه ارومیه از منظر حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. *فصلنامه راهبرد*، دوره ۲۰، شماره ۵۸، صص ۲۰۲-۱۷۷.
- شاهنوری، م.، محمدی شلمانی، م.، و پیروی، ش. (۱۳۹۷). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت در حفاظت از محیط‌زیست. *مدیریت محیط‌زیست و توسعه پایدار*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۴-۱.
- شریفی‌نیا، ز. (۱۳۹۹). تحلیل موانع مشارکت مردم محلی در توسعه روستایی (مطالعه موردی: دهستان بیشه‌سر بخش مرکزی شهرستان قائم‌شهر). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، دوره ۵۲، شماره ۳، صص ۱۱۳۱-۱۱۵۱.  
<https://doi.org/10.22059/jhgr.2020.299549.1008097>
- صفاری، ا.، قنوتی، ع.، و صمیمی‌پور، خ. (۱۳۹۱). شناسایی پهنه‌های مستعد توسعه اکوتوریسم در شهرستان کازرون. *نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی*، دوره ۱۲، شماره ۲۶، صص ۱۶۰-۱۴۷.
- عبداله‌رش، م.، شبیری، م.، و حقیقی، ف. (۱۳۹۱). نقش نهادهای مردمی و دولتی در مشارکت جوامع محلی برای حفاظت از تالاب کانی‌برازان. *فصلنامه علمی پژوهشی اکوبیولوژی تالاب/ دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز*، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۳۳-۲۷.
- غلامحسین قوچانی، س.، حاتمی یزد، ا.، و کلاهی، م. (۱۴۰۲). حفاظت تالاب‌ها از طریق برنامه سیپا، مطالعه موردی تالاب هشیلان کرمانشاه. *نشریه علمی آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار*، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۱۷۴-۱۵۹.  
<https://doi.org/10.30473/ee.2023.63115.248>

- غلامی‌گندمانی، ف.، و فاطمی، م. (۱۴۰۰). تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار در بین دانشجویان دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز: کاربرد رهیافت قابلیت اشتغال. *راهنماهای کارآفرینی در کشاورزی*، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۱۱۱-۱۲۵.
- فولادی‌زاده، م.، و محمدبیگی، پ. (۱۳۹۵). بهبود مشارکت و توانمندسازی جامعه محلی، گامی در جهت توسعه منابع طبیعی. مجموعه آثار و مقالات برگزیده دهمین کنگره پیشگامان پیشرفت، صص ۵۸۲-۵۸۸.
- قیصری، ن. (۱۳۹۸). مشارکت اجتماعی؛ معناکاوی یک مفهوم راهبردی. *فصلنامه‌ی مطالعات راهبردی ناجا*، دوره ۴، شماره ۱۱، صص ۵۹-۳۱.
- کریمی، غ. ح.، و رضائی‌مقدم، ک. (۱۳۹۸). اقدام پژوهی مشارکتی: حلقه اتصال پژوهش و اقدام در مدیریت تعاونی‌های کارآفرین کشاورزی. *دوفصلنامه علمی کارآفرین*، دوره ۱۶، شماره ۴۶، صص ۱۸۸-۱۶۱.
- کریمی، ز. (۱۳۹۵). نقش بهره‌برداران در حفاظت و مدیریت حوضه آبخیز. *یازدهمین همایش ملی علوم و مهندسی آبخیزداری ایران*. ۲۵ شهریور، یاسوج.
- کلانتری، ع.، کیانیپور، م.، مزیدی شرف‌آبادی، و.، و لشکری، م. (۱۳۹۵). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تعلق‌مندی نسبت به محیط‌زیست (مورد مطالعه: شهروندان شهر تهران). *جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره ۲۷، شماره ۶۲، صص ۱-۱۶. <https://doi.org/10.22108/jas.2016.20488>
- کلاهی، م.، عظیمی سقین‌سرا، ر.، حاتمی یزد، ا. (۱۴۰۱). ساماندهی تالاب بزنگان از طریق ظرفیت‌سازی و مشارکت اجتماعی. *فصلنامه انسان و محیط زیست*، شماره ۶۳، صص ۸۶-۷۳.
- لطفی، ا. (۱۳۸۹). *دریاچه پریشان تشریح شرایط پایه*. تهران، ایران: نشر پیروز.
- موسوی، م.، ایزدی، ع.، علوی‌زاده، ا. م.، و اسماعیل‌پور، م. ع. (۱۳۹۸). موانع مؤثر در مشارکت اجتماعی روستاییان در طرح‌های عمرانی (مورد شناسی: دهستان بناجوی شمالی). *فصلنامه جغرافیا و آمایش شهری*، دوره ۹، شماره ۳۱، صص ۷۲-۵۳. <https://doi.org/10.22111/gaij.2019.4695>
- مهراب قوچانی، ا.، غنیان، م.، خسروی‌پور، ب.، و کراتز، جی. سی. (۱۳۹۸). مؤلفه‌های مؤثر بر تعهد و ترجیح فعالیت‌های گردشگری در میان ساکنان نواحی روستایی تالاب‌های استان خوزستان. *علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران*، دوره ۱۵، شماره ۱، صص ۷۰-۵۹. <https://doi.org/10.22034/IAEEJ.2019.93505>
- میرزایی، ع.، آزر، ح.، و لیانی، ق. (۱۳۹۷). اولویت‌بندی عوامل اثرگذار بر پایداری اکوسیستم تالاب شادگان. *فصلنامه علمی پژوهشی اکوبیولوژی تالاب- دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز*، دوره ۱۰، شماره ۳۸، صص ۸۰-۶۹.
- هاشمی، س.، و خسروی، ز. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر احداث اقامتگاه سازگار با محیط‌زیست بر مشارکت و توانمندسازی جامعه محلی (مطالعه موردی: منطقه سیمین‌دشت). *فصلنامه میراث و گردشگری*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱۳۸-۱۱۹.
- هوشیار، م.، آهنگری، ا.، و جوانبخت‌شین‌آبادی، ن. (۱۴۰۰). جلب مشارکت جوامع محلی در توسعه اکوتوریسم تالابی (مورد مطالعه: تالاب بین‌المللی کانی‌برازان مهاباد). *نشریه علمی اکوبیولوژی تالاب- دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز*، دوره ۱۳، شماره ۴۷، صص ۶۰-۵۱.

- Asmare, E., Bekele, K., and Fentaw, S. (2022). Households' willingness to pay for the rehabilitation of wetlands: Evidence from Gudera Wetland, Northwest Ethiopia. *Heliyon*, 8, 1-12. <https://doi.org/10.1016/j.heliyon.2022.e08813>.
- Chetri, D. P. (2013). People's participation in development: Sikkim in perspective. *International Journal of Innovative Research and Development*, 2(5), 1447-1797.
- Daneshmehr, H. (2012). The importance and situation of public participation in the maintenance of construction projects. *Monthly of Dehyari*, 4(38), 8-12.
- Dary, S. K. and Kuunibe, N. (2012). Participation in rural non- farm economic activities in Ghana. *American International Journal of Contemporary Research*, 2(8), 154-161.
- Davidson, N. C., Dam, A. A. V., Finlayson, C. M., and McInnes, R.J. (2019). Worth of wetlands: Revised global monetary values of coastal and inland wetland ecosystem services. *Marine and Freshwater Research*, 70, 1189-1194. <https://doi.org/10.1071/MF18391>.
- Deth, J. (2014). A conceptual map of political participation. *Acta Politica*, 49, 349-367. <https://doi.org/10.1057/ap.2014.6>.

- Fowler F. J. (2009). Survey research methods. Applied social research method series, In: Bickman, L., Rog, D.J., (Eds.), USA: SAGE.
- Kakumba, U. (2010). Local government citizen participation and rural development: Reflections on Uganda's decentralization system. *International Review of Administrative Sciences*, 76(1), 171-186. <https://doi.org/10.1177/0020852309359049>.
- Lengerer, F., Steinfuhrer, A., and Haartsen, T. (2022). To participate, or not to participate – That is the question. (Non-)participation of older residents in rural communities. *Journal of Rural Studies*, 91, 47-57. <https://doi.org/10.1016/j.jrurstud.2022.02.008>.
- Mitsch, W. J., Bernal, B., and Hernandez, M. E. (2015). Ecosystem services of wetlands. *International Journal of Biodivers. Scienc, Ecosystem Services & Management*, 11(1), 1-4. <https://doi.org/10.1080/21513732.2015.1006250>.
- Mawdsley, E. (2015). DFID, the private sector and the re-centring of an economic growth agenda in international development. *Global Society*, 29(3), 339-358. <https://doi.org/10.1080/13600826.2015.1031092>.
- Nemutamvuni, K., Mckay, T., and Bikwibili Tantoh, H. (2020). Active citizenry, community - Based organizations and the protection of urban wetlands: The case of colbyn, Tshwane, South Africa. *Global Ecology and Conservation*, 24, 1-13. <https://doi.org/10.1016/j.gecco.2020.e01244>.
- Ofuoku, A. U. (2011). Effect of community participation on sustainability of rural water projects in Delta central agricultural zone of Delta state, Nigeria. *Journal of Agricultural Extension and Rural Development*, 3(7), 130-136.
- Parkes, M. W., Morrison, K. E., Bunch, M. J., Hallstrom, L. K., Neudoerffer, R. C., Venema, H. D., and Waltner-Toews, D. (2010). Towards integrated governance for water, health and socialecological systems: The watershed governance prism. *Journal of Global Environmental Change*, 20(2), 693-704. <https://doi.org/10.1016/j.gloenvcha.2010.06.001>.
- Ryan, P. P., Geoffrey, J. H., and Gang, C. (2012). How wetland type and area differ through scale: A GEOBIA case study in Alberta's Boreal Plains. *Remote Sens Environ*, 117, 135-145. <https://doi.org/10.1016/j.rse.2011.07.009>.
- Starkloff, R. (2001). Farmers perception of the social mobilization of water user organization in the Sindh, Pakistan. *International Water Management Institute, Lahore, Pakistan*, 1-146.
- The Ramsar Convention Secretariat. (2007). *What are wetlands?* Available at: <<https://www.ramsar.org>>
- Wanchi, A., and Phrompayak, D. (2019). Social participation types and benefits on health outcomes for elder people: A systematic review. *Ageing International*, 49, 223-233 <https://doi.org/10.1007/s12126-018-9338-6>.

**Article Type: Research Article**

**DOI:** 10.22034/iaeej.2024.443010.1789

## **Determinants of Local Community Participation in Restoration of Parishan Wetland**

**Sedigheh Rezaei<sup>1</sup> and Kurosh Rezaei-Moghaddam<sup>2\*</sup>**

(Received: Feb. 11. 2024; Accepted: May. 11. 2024)

### **Abstract**

Preservation and maintenance of wetlands is one of the vital items of every society. Wetlands are considered as a source of water and food for humans, so wetlands' protection is important due to the human life. Participations of different groups of society is required in order to achieve the goal of wetlands preservation. Identifying and analyzing the determinants of local community participation in the restoration of Parishan wetland of Fars province was the main purpose of current study. The statistical population was the local community living in 18 villages around the Parishan wetland of Fars province that 250 individuals of them were selected through random sampling method to collect information using survey and based on a special questionnaire. Data were analyzed using AMOS and SPSS software. According to the results, various factors could be effective on increasing the participation of the local community, from the literacy level and area under cultivation to the other factors such as commitment and responsibility of individuals, educational workshops, considering the opinions of different local groups in decision-makings, the importance of women's position, communications between experts and local people as well as the role of Non-Governmental Organizations (NGOs). Holding educational classes especially for the women of each village according to their culture, increasing trust between the local community and other governmental and non-governmental institutions through improvement of interactions and informing local people about the current status of the wetland as well as the dangers that may arise in the future through virtual networks were some of the applicable recommendations of the study.

**Keywords:** Restoration, Wetland, Local community, Media, Women, Environment, Participation.

---

<sup>1</sup> Former, M.Sc. Student, Department of Agricultural Extension and Education, School of Agriculture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

<sup>2</sup> Professor, Department of Agricultural Extension and Education, School of Agriculture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

\* Corresponding Author, Email: rezaei@shirazu.ac.ir

